



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

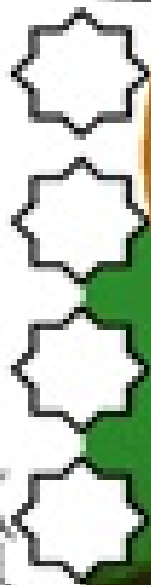
گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

هفتاد و نهمین شماره
شماره و نهمین شماره



استاد علی اکبر مهدی پور
ذکر سید محسن قائم فرید
به کوشش طبرضا مهر پور

حکایت محمد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غربت بقیع

نویسنده:

علیرضا مهرپرور

ناشر چاپی:

مشخص نشده است.

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	غربت بقیع
۸	مشخصات کتاب
۸	[مقدمه]
۸	اشاره
۹	کهنترین گورستان مسلمانان
۹	گلوآزه بقیع
۹	مدفونین بقیع
۹	اولین مدفون در بقیع
۱۰	اولین مدفون از انصار
۱۰	بقیع از منظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
۱۰	حرم ائمه بقیع
۱۱	ریشه‌های تاریخی تئوری ویران سازی قبور
۱۲	برخورد دیگر مذاهب اسلامی با این تئوری
۱۲	پیشینه‌ی تاریخی تئوری تخریب
۱۳	پیشینه‌ی تهاجم به شهر مدینه
۱۵	کارنامه‌ی سیاه آل سعود
۱۵	آیا تعمیر قبور بدعت است؟
۱۷	کتابنامه‌ی بقیع
۱۸	اشعار
۱۸	کفر پیشین
۱۹	بیداد
۲۰	عَلَم ننگ

- ۲۲ سپاه ابرهه
- ۲۵ شاخ شیطان
- ۲۹ ظلم و هابیان
- ۳۰ شهر مدینه
- ۳۱ فریاد خاموش
- ۳۲ قطعه‌های از بهشت
- ۳۶ بغض غم
- ۳۷ سرشک زمزم
- ۳۸ باغ به تاراج رفته
- ۳۹ قبله جان
- ۳۹ نسل تیغ و تبر
- ۴۰ روضه رضوان
- ۴۱ آیین وهابی؟
- ۴۲ حرمت حرم
- ۴۳ ظلم بی حساب
- ۴۴ فتوای وقیحانه
- ۴۵ غروب عاطفه
- ۴۶ منع زوار
- ۴۶ قطعه
- ۴۷ غریستان
- ۴۸ غبار بقیع
- ۴۹ قوم عصیانگر
- ۵۰ مُشک تر
- ۵۱ حُسن عالمگیر

۵۲	قبله دلها
۵۳	پاداش رسالت!!!
۵۵	جوف جهل
۵۶	موج فتنه
۵۸	غم غربت
۵۹	ماده تاریخ هتک حرمت بقیع
۵۹	رباعیات
۵۹	رباعیات تخریب بقیع
۶۲	رباعیات بقیع
۶۴	نوحه
۶۴	تخریب ظالمانه
۶۴	غم نامه
۶۵	مظلومیت بقیع
۶۶	غمستان بقیع
۶۷	حفظ اماکن مذهبی از دیدگاه حقوق بین الملل
۶۷	لزوم حفظ اماکن مذهبی از نظر حقوق بین الملل
۶۸	لزوم حفظ مفاخر ملی (از جهت اهمیت هنری، معماری، تاریخی بنا و ساختمان)
۶۸	حفظ اماکن مذهبی و وظیفه‌ی دولتهاست
۶۹	پی نوشت
۷۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

غربت بقیع

مشخصات کتاب

سرشناسه: مهرپرور، علیرضا

عنوان و نام پدیدآور: غربت بقیع؛ مهرپرور، علیرضا

مشخصات نشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

موضوع: شعر مذهبی -- مجموعه‌ها

موضوع: شعر فارسی -- مجموعه‌ها

[مقدمه]

اشاره

دشمنان کوردلی که یارای مقابله با معارف والای خاندان عصمت و طهارت را نداشتند، همواره برای خاموش کردن خورشید فروزان این خاندان و ستارگان تابان از خاندان خاتم پیامبران، از هیچ تلاشی دریغ نکردند.

روزی خانگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در مدینه محاصره نمودند.

روزی به خانگی وحی هجوم بردند، با یک لگد ثلث عترت طاها را از بین بردند. روزی بر پیکر یوسف فاطمه اسب تاختند، تا نشانی از آن مشعل فروزان باقی نماند.

با مشاهده جاودانگی آن امام نور، منصور دوانیقی به سال ۱۴۵ هجری، هارون الرشید به سال ۱۹۳ هجری و متوکل عباسی در بین سالهای ۲۳۳ تا ۲۴۷ هجری چندین بار قبر مطهر سالار شهیدان را با خاک یکسان کردند.

دستپوردهای مکتب خلافت به سال ۴۴۳ هجری حرم مطهر کاظمین را طعمهی حریق نموده، جواهرات نفیس و گرانسنگ آن را به یغما بردند.

استعمار پیر انگلیس برای نهادینه کردن این جنایات، فرقه‌ی وهابیت را چون غده چرکینی در قلب جهان اسلام به وجود آورد.

پسر عبدالوهاب دست نشانده استعمار انگلیس به فرمان اربابان خود، همهی ارزشهای والای اسلام را به باد فنا داد.

وی به سال ۱۲۰۶ هجری، با بیماری جزام، با بدن متعفن به زیر خاک رفت، ولی بدعتهای او به دست آل سعود هنوز ادامه دارد.

سعود بن عبدالعزیز به سال ۱۲۱۶ هجری در روز غدیر خم به کربلای معلی حمله کرد، بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر از زائرین و مجاوران را به شهادت رسانید و ۷۰ شتر بار طلا و جواهرات از حرم امام حسین علیه السلام به غارت برد.

وی چندین بار به نجف اشرف یورش برد، با دفاع جانانه‌ی مراجع بزرگ مواجه شد و ناکام برگشت.

به سال ۱۲۱۸ هجری قبور اولیای الهی را در مکه، سپس در مدینه ویران نمود و چهار صندوق جواهرات از حرم پیامبر اکرم به انگلستان منتقل نمود.

پس از شکست آل سعود از دولت عثمانی، قبور مطهره تجدید بنا شد، ولی یکبار دیگر با دستگیری انگلستان آل سعود به قدرت رسیده، در هشتم شوال ۱۳۴۴ هجری همهی گنبدها و بارگاههای بقیع را ویران کردند.

بقیع مظلوم که بهارستان ایمان و نگارستان اسلام بود، با داشتن قبر چهار امام معصوم و بیش از ۱۲۰۰۰ تن از اصحاب پیامبر،

نورانیترین بقعه در روی زمین بود، که توسط وهابیان بی فرهنگ به شهر زلزله زده مبدل گردید. به کوری چشم خفاش صفتان که تاب دیدن خورشید را ندارند، خورشید فروزان بقیع همواره بر دل‌های مؤمنان نورافشانی میکند و این گستاخیا چیزی از عظمت آن نمیکاهد. ولی این جنایات وحشیانه و ددمشانهی وهابیان، اسلام را در دنیا آیینی خشن معرّفی نموده، فرهنگ والای اسلام را زیر سؤال میبرد.

کهنترین گورستان مسلمانان

بقیع کهنترین گورستان مسلمانان است که دقیقاً یک هزار و چهارصد و سی سال پیش، در شعبان سال سوم هجری، به امر پیامبر اکرم و به دست آن حضرت به عنوان گورستان مسلمانان بنیاد گردید. پیش از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شهر یثرب، دو قبرستان به نام: بنی حرام و بنی سالم در این شهر وجود داشت. اولین کسی که از مهاجران در شهر مدینه وفات کرد، عثمان بن مظعون بود که در رأس سی امین ماه از هجرت، یعنی در شعبان سال سوم هجری در مدینه وفات کرد و در بقیع مدفون گردید و آن دو قبرستان پیشین متروکه گردید.

کلوازه بقیع

خلیل پیشتاز اهل لغت مینویسد:
بقعه به قطعه زمینی گفته میشود که از زمینهای مجاور خود متفاوت باشد.
بقیع به زمینی گویند که در آن ریشهی درختان گوناگون باشد.
به همین جهت «بَقِيعُ الْعَرَقَدِ» مدینه را «بقیع» مینامند.
«عرقده» نام درختی است که در آنجا میروید، آن درخت از بین رفته، ولی نامش بر روی آن سرزمین مانده است. (۱)
ابن فارس نیز در این رابطه مینویسد:
«بقیع» زمینی که در آن ریشهی درختان مختلف باشد و «عرقده» درخت خاردار است که در آن جا میروید. (۲)

مدفونین بقیع

از سال سوم هجری اصحاب، یاران، همسران، خویشان و خویشاوندان پیامبر، مجاوران حرم نبوی و زائران مدینهی منوره که در این شهر به لقاء پروردگار رسیده‌اند، در بقیع به خاک سپرده شده‌اند. قاضی عیاض در کتاب المدارک از امام مالک نقل کرده که بیش از ۱۰/۰۰۰ نفر از صحابهی پیامبر در خاک بقیع آرمیده‌اند.

اولین مدفون در بقیع

اولین فردی که از مهاجران در مدینه وفات کرد، عثمان بن مظعون بود. (۳)
وی در رأس سی امین ماه هجرت، یعنی در ماه شعبان سال سوم هجری در مدینه درگذشت. (۴)
عثمان بن مظعون چهاردهمین فردی بود که به آیین اسلام گروید، به حبشه هجرت کرد، سپس به مدینه هجرت کرده، در جنگ بدر حضور یافت.
پس از ارتحال او پیامبر اکرم امر فرمود که زمین بقیع را هموار سازند و پیکر پاک او را در بقیع به خاک بسپارند.

چون جنازه را در قبر نهادند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد قبر شده، جنازه عثمان بن مظعون را بوسه باران کردند و فرمودند: رفتی و با آلودگیهای دنیا آلوده نشدی. (۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سنگ بزرگی را روی قبر او نهاد و فرمود:

با این سنگ قبر برادرم را علامت میگذارم و هر کس از خاندانم فوت کند، در کنارش دفن میکنم. (۶)

این سنگ به قدری بلند بود که خارجه بن زید میگوید: ما در جوانی از روی آن پرش میکردیم و مسابقه میگذاشتیم. (۷)

هنگامی که ابراهیم فرزند پیامبر وفات کرد، فرمود: به سلف صالح ما پیوند.

سپس او را در کنار قبر عثمان بن مظعون دفن کردند. (۸)

اولین مدفون از انصار

پیش از عثمان بن مظعون، اسد بن زرارهی انصاری، از انصار، در اول ماه نهم از هجرت، در مدینه در گذشت و در بقیع به خاک سپرده شد، جز این که بقیع پس از دفن عثمان بن مظعون به عنوان گورستان برگزیده شد.

اسعد بن زراره در هر سه بیعت عقبه حضور داشت و اولین کسی بود از اهل یثرب که با آن حضرت بیعت نمود.

پیش از هجرت پیامبر به یثرب، او نخستین کسی بود که در یثرب نماز جمعه اقامه کرد. (۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کفن و دفن او حضور یافت، بر جنازه‌اش نماز خواند و او را در بقیع دفن نمود. (۱۰)

بقیع از منظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد بقیع رسیده، که به تعدادی از آنها اشاره میکنیم:

۱. پیامبر اکرم فرمود:

خداوند متعال ۷۰/۰۰ نفر در روز رستاخیز از بقیع برمیانگیزد که سیمای آنها همانند ماه چهارده شبه میباشد و بدون حساب وارد بهشت میشوند. (۱۱)

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میفرمود: به من امر شده که برای اهل بقیع طلب مغفرت کنم.

۳. و در همین رابطه میفرمود:

من مأمور هستم که برای آنها دعای خیر کنم. (۱۲)

۴. و در همین راستا میفرمود:

من برانگیخته شدم که برای اهل بقیع دعا کنم. (۱۳)

۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حداقل هفت‌های یک بار به زیارت اهل بقیع میرفت. (۱۴)

۶. عایشه میگوید: هر شبی که نوبت من بود، پیامبر اکرم آخر شب به بقیع میرفت و خطاب به اهل بقیع میفرمود:

السلام علیکم دار قوم مومنین، و اتاکم ما توعدون، غدا مؤجلون، و انا ان شاء الله بکم لاحقون، اللهم اغفر لاهل بقیع الغرقد. (۱۵)

حرم ائمه بقیع

حرم مطهر ائمه بقیع همواره مورد توجه و مزار زائران و عاشقان شیفته و پاکبختی خاندان عصمت و طهارت بود.

مزار امامان در طول قرون و اعصار سایه‌بان داشت، اولین گنبد و بارگاه بر فراز تربت پاک آنان به سال ۴۸۸ ق. توسط اسعد بن محمد بن موسی، وزیر بُرکیارُق، پسر ملک‌شاه سلجوقی ساخته شد.

مسترشد بالله عباسی، به سال ۵۱۹ و الناصر لدین الله عباسی، به سال ۵۶۰ آن را مرمت کردند. ابن جبیر، ابن نجار و ابن بطوطه در قرن هفتم به زیارت ائمه بقیع شتافته، از گنبد و بارگاه آنها سخن گفته‌اند. در سال ۹۵۰ ق. سلطان سلیمان قانونی گنبد همسران پیامبر را تجدید بنا کرد. به سال ۱۲۲۱ ق. وهابیان آنها را تخریب کرد، سپس سلطان محمود عثمانی تجدید بنا نمود. تا در سال ۱۳۴۳ ق. مجدداً آل سعود به قدرت رسیدند و در تاریخ ۲۴ جمادی الثانیه ۱۳۴۴ ق دولت سعودی رسماً تاسیس شد و هدم قبور ائمه بقیع در هشتم شوال همان سال انجام یافت. بر این اساس بقیع در طول دوازده قرن تمام، مورد احترام حکومتها بود، ولی پس از به قدرت رسیدن آل سعود، انواع گستاخیا و بی حرمتیها در مورد قبور امامان، همسران، فرزندان، یاران، و فرهیختگان از مهاجران، انصار و خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به وقوع پیوست.

ریشه‌های تاریخی تئوری ویران سازی قبور

این تئوری فاسد و خانمانسوز بر پایه‌ی چند حدیث شبه‌ناک پیریزی شده، که به مهمترین آنها اشاره میکنیم:

۱. ابوالهیاج گوید: علی علیه السلام به من مأموریت داد که هیچ تمثالی را نگذارم جز این که نابودش کنم و هیچ قبری را نگذارم جز این که صافش کنم. (۱۶)
- ۱) در سند این حدیث «وُكِّع» قرار دارد که ابن حجر مینویسد: او در ۵۰۰ حدیث دچار اشتباه شده است. (۱۷)
- ۲) هم چنین حبیب بن ابی ثابت در سند آن قرار دارد که در احادیث تدلیس می‌کرد. (۱۸)
- ۳) از تعبیر «تمثالاً» معلوم میشود که مربوط به قبرستان مشرکان بود، زیرا در قبرستان مسلمانان تمثالی وجود نداشت.
- ۴) از مشکلات محتوایی حدیث این است که صاف کردن قبور در اسلام رجحان ندارد، چنانکه قبر شریف، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مُسَنَّم بود (۱۹) و فقهای عامه تسنیم را مستحب میدانند. (۲۰)
- مُسَنَّم به معنای مرتفع میباشد و قبر مُسَنَّم یعنی قبری که از زمین بلندتر باشد و مسطح نباشد. (۲۱)
۲. میگویند ساختن بنا بر فراز قبور بدعت است. در حالی که متن قرآن و احادیث رسیده و سیره‌ی اصحاب بر خلاف آن میباشد:
- ۱) قرآن کریم از ریزنی افرادی که به قبور اصحاب کهف دسترسی پیدا کردند، نقل میکند که گفتند: «بر فراز قبور آنها ساختمانی بسازید». آنان که بر این امر غلبه کردند گفتند: «بلکه بر فراز قبور آنها مسجد میسازیم». (۲۲)
- ۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را اصحاب در داخل حجره شریف دفن کردند و هنگامی که عمر بن عبدالعزیز آن را تعمیر کرد به ساختمان حجره دست نزد. (۲۳)
- ۳) ابراهیم فرزند پیامبر را در خانه‌ی محمد بن زید دفن کردند. (۲۴)
- ۴) فاطمه بنت اسد و اسعد بن زراره را در خانه‌ی عقیل دفن کردند. (۲۵)
- ۵) سعد معاذ را در خانه‌ی ابن افلاج به خاک سپردند. (۲۶)
- ۶) عباس عموی پیامبر را در خانه‌ی عقیل دفن کردند. (۲۷)
- ۷) حضرت ابراهیم، حضرت داوود، حضرت سلیمان، حضرت یعقوب و حضرت یوسف علیهم السلام همگی بقعه و سقف داشتند، به هنگام فتح بیت المقدس خلیفه شخصاً در بقعه‌ی داوود و سلیمان حضور یافته، نماز خوانده، برای خادمان بقعه حقوق تعیین کرد.

(۲۸)

۳. گویند: نباید بر فراز قبور ساختمان ساخته شود، تا مورد پرستش قرار نگیرند. در پاسخ باید گفت: پرستش یا عدم پرستش هیچ ربطی به داشتن و نداشتن گنبد و بارگاه ندارد. حضرت عیسی علیه السلام قبر ندارد و مورد پرستش قرار گرفته است. حضرت ابراهیم علیه السلام گنبد و بارگاه دارد، ولی مورد پرستش قرار نگرفته است،

برخورد دیگر مذاهب اسلامی با این تئوری

همه‌ی مذاهب اسلامی، اعم از شیعه و سنی با این طرز تفکر وهابیان مخالف هستند، تاکنون بیش از ۵۰۰ جلد کتاب از سوی عالمان بزرگ شیعی و سنی در رد عقاید سست و بی اساس فرقه‌ی وهابیت چاپ و منتشر شده است. (۲۹)

به این جهت به دنبال تخریب قبور مطهر ائمه‌ی بقیع جمعیت‌هایی در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی تشکیل شد و هریک گروهی را برای رسیدگی به اوضاع مدینه به این شهر گسیل داشتند، که از آن جمله است:

- ۱) کاروان جمعیت خلافت اسلامی، از سوی پادشاه عثمانی که روز پنجم کانون اول ۱۹۲۵ م. وارد مدینه شدند.
- ۲) کاروان جمعیت خدام الحرمین، از کشور هند، که روز ۱۵ کانون اول ۱۹۲۶ م، وارد مدینه منوره شدند. (۳۰)
- ۳) کمیسیون دفاع از حرمین شریفین که روز اول ذی‌قعدة الحرام ۱۳۴۴ ق، برابر ۱۳ مه ۱۹۲۶ م، در تهران تاسیس شد.
- ۴) هیأت علمیه نجف اشرف و تلگراف آنها به مرحوم مدرّس.
- ۵) تلگراف آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی به امام جمعیه خوی.
- ۶) سخنرانی مدرس در مجلس و اعلام عزای عمومی در روز شنبه ۱۶ صفر ۱۳۴۴ ق در سرتاسر ایران.

پیشینه تاریخی تئوری تخریب

ستمگران ستم پیشه در طول تاریخ گامهای بلندی در تخریب قبور مطهر پیشوایان دینی برداشته‌اند و در این راه از هیچ جنایتی دریغ نورزیده‌اند، که به چند نمونه از آنها اشاره میکنیم:

- ۱) نخستین گام در این رابطه توسط معاویه بن ابی اسفیان در سال ۴۹ ق. برداشته شد. وی از انتشار عنوان هند جگر خواره برای مادرش به شدت رنج میبرد، از این رهگذر تصمیم گرفت که قبر شریف جناب حمزه را تخریب کند تا از مادرش به عنوان قاتل و جگر خواره کمتر یاد شود. در آن تاریخ ۴۶ سال تمام از شهادت حضرت حمزه میگذشت. معاویه به بهانه‌ی حفر قنات و آبرسانی به مدینه به اُحد آمد و نخستین کلنگ را به قبر حضرت حمزه زد. جنازه جناب حمزه به صورت تر و تازه نمایان شد، بیل به پای آن حضرت خورد، خون تازه از پای مبارکش سرازیر شد و به این وسیله مقام و جایگاه حضرت حمزه بیش از پیش بر سر زبانها افتاد. (۳۱)
- جابر بن عبدالله انصاری میگوید: اجساد شهدا آنقدر تر و تازه بود که مفاصل بدنشان به راحتی باز و بسته میشد. (۳۲)
- پس از گذشت چهارده قرن از شهادت حضرت حمزه، یک بار دیگر بدن شریف ایشان در اثر سیل نمایان شد، علامه محمود صوّاف که از شاهدان عینی جسد مطهر ایشان بود، میگوید: بدن کاملاً تر و تازه بود، آثار مثله در گوش، دماغ و لبهای ایشان آشکار بود، شکم شریفش پاره شده، امعاء و احشایش بیرون ریخته بود.
- این داستان را دکتر طارق سویدان در سری کتابهای «قصه النّهایه» اش نقل کرده، سپس در سایت خود آن را قرار داد، بعدها تحت فشار وهابیه آن را از سایت خود حذف نمود. (۳۳)

۲) گام دوم را هارون الرشید برداشت، قبر شریف امام حسین علیه السلام را با خاک یکسان کرد و آن درخت سدر که نشان قبر شریف بود، قطع کرد و حدیث شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده بود: خداوند لعنت کند قطع کننده‌ی آن درخت سدر را، در حق ایشان تحقق یافت. (۳۴)

۳) سومین گام را متوکل عباسی برداشت که ۱۷ بار قبر شریف امام حسین علیه السلام را با خاک یکسان کرد، دستور داد محل را شخم بزنند، گاوها پیش نرفتند، کشاورز بیچاره را گردن زد تا خبر منتشر نشود، دستور داد که بر قبر شریف آب ببنند، آب در گرداگرد قبر شریف دور زد و به تعبیر صحیحتر قبر شریف را طواف نمود و آثار قبر از بین نرفت. (۳۵)

بلکه به عنوان حائر برای حرم آن حضرت در تاریخ رقم خورد.

روز یازدهم محرم حضرت زینب سلام الله علیها، به امام سجاد علیه السلام فرمود: پرچی بر فراز قبر برادرم نصب میشود که تا روز قیامت در اهتزاز خواهد بود. و اینک صدق گفتار عقیده العرب را به چشم خود میبینیم. (۳۶)

۴) چهارمین گام را گروهی از رجالها به سال ۴۴۳ ق در کاظمین برداشتند، حرم مطهر را تخریب کردند، ضریح امام کاظم و امام جواد علیهما السلام را آتش زدند، جسد گروهی از دوستان اهل بیت چون، ناشی، حدوجی و عونی شاعر را از قبر بیرون کشیدند و آتش زدند.

همین رجالها در سال ۴۴۸ ق. حمله‌ی وسیع‌تری انجام داده، در ماه صفر کتابخانه‌ی شیخ طوسی را در میدان کرخ بغداد به آتش کشیدند و هشتاد هزار جلد کتاب (نسخه‌ی خطی) در آتش کین سوخت.

روز اول ربیع‌الثانی به حرم کاظمین تاختند، روز هشتم ربیع‌الثانی روی قبرهای مطهر امامین هم‌امین پایکوبی کرده، اشعار نامناسبی خواندند، که متن آنها را ابن جوزی در المنتظم و مرآة الزمان آورده است.

۵) گام بلندتر را ابن تیمیه برداشت، تخریب قبور را فرض دانست، زیارت قبور را شرک و بدعت معرفی کرد.

۶) گام بعدی را شاگردش ابن جوزیه برداشت و سخنان ابن تیمیه را نشر داد.

۷) فجعترین گام را شیخ نوح، شیخ الاسلام عثمانی برداشت و رسماً اعلام کرد که هر کس یک نفر شیعه را بکشد، بهشت بر او واجب میشود.

بر اساس این فتوا خلیفه‌ی عثمانی هشتاد هزار نفر را در یک روز گردن زد و در ادامه چهل هزار نفر از شیعیان حلب به دستور خلیفه‌ی عثمانی به قتل رسیدند.

۸) هشتمین گام را استعمار پیر انگلیس به دست نوکر حلقه به گوش خود محمد بن عبدالوهاب برداشت و سخنان بی‌اساس ابن تیمیه را نهادینه کرد، به اهالی حرمین شریفین اعلام کرد که باید همه‌ی گنبد‌ها و گلدسته‌ها تخریب شود، تا بساط شرک از روی زمین برچیده شود.

برای قداست دادن به یاهو سراییهای محمد بن عبدالوهاب، اعلام کردند که باید همه معتقد شوند که به او الهام میشود و هر کس وهابیت را نپذیرد؛ باید به قتل برسد. (۳۷)

پیشینی تهاجم به شهر مدینه

تهاجمات فراوان از سوی حاکمان فاقد ایمان، به هجرت سرای پیامبر اکرم اتفاق افتاده که صفحات تاریخ را لکه‌دار نموده است، که به تعدادی از این تهاجمات وحشیانه اشاره میکنیم:

۱) معاویه بن ابیسیان بعد از جنگ صفین یکی از سرداران خون آشام خود بسر بن ارطاة را به مدینه منوره فرستاد و به او فرمان داد که مدینه را قتل عام نموده، دوستان مولای متقیان را از دم تیغ بگذرانند. او نیز با لشکری جزّار به مدینه تاخته، از کشته‌ها پشته

ساخته، به بهانه‌ی خونخواهی عثمان بر مرد و زن رحم نکرده، حتی کودکان را نیز از دم تیغ گذرانید. (۳۸)

(۲) بعد از معاویه، پسرش یزید نیز راه پدر را در پیش گرفت، مُسلم بن عُقبه را با ۱۲۰۰۰ نفر از خون‌آشامان به مدینه گسیل داشت و به او فرمان داد از اهل مدینه به عنوان برده‌ی زر خرید برای من بیعت بگیر، هر کس امتناع بورزد گردن بزن و بر احدی رحم نکن مُسلم بن عُقبه که در تاریخ به عنوان «مُسرف بن عُقبه» شهرت یافته، از هیچ جنایتی فرو گزار نشد و فاجعه‌ی معروف به «حَرْه» را پدید آورد.

در این فاجعه ۷۰۰ تن از حاملان قرآن کشته شدند و به حریم هزار تن از نوامیس تعدی شد. (۳۹)

فاجعه‌آمیزتر این که وی این جنایت را به قصد قربت انجام داده و آن را مهم‌ترین ذخیره‌ی آخرت خود قلمداد نموده (۴۰) زیرا به فرمان خلیفه مسلمین انجام داده است. در این فاجعه ۳۰۶ تن از چهره‌های برجسته‌ی مهاجران و انصار به قتل رسیدند. (۴۱)

(۳) سؤمین حمله به مدینه منوره توسط منصور دوانیقی برای دستگیری و ریشه‌کن ساختن مجاهدان از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام بود. منصور با ارسال لشکری متشکل از ۴۰۰۰ سوار و ۲۰۰۰ پیاده به فرماندهی برادرزاده‌اش عیسی بن منصور، به مدینه منوره، نفس زکیه و طرفدارانش را قلع و قمع نمود. (۴۲)

(۴) چهارمین تهاجم به فرمان هادی عباسی (برادر هارون الرشید) برای نبرد با حسین بن علی، مشهور به صاحب فخ و کشتار آنان در مدینه منوره به طرزی بسیار فجیع. (۴۳)

(۵) مهم‌ترین، فاجعه‌آمیزترین و گستاخترین حمله به مدینه منوره توسط آل سعود، اتفاق افتاد که به تخریب قبور ائمه‌ی بقیع منجر شد.

وهابیان نخست در سال ۱۲۲۱ ق. گنبد و بارگاه اهل بیت عصمت و طهارت را در بقیع خراب کردند، همه اشیاء قیمتی حرم پیامبر را به غارت بردند، مرواریدی بر فراز قبر مطهر پیامبر اکرم نصب بود، که آن را شریف غالب به یکصد هزار دلار خرید، بخش دیگری از جواهرات حرم را کمپانی‌های هندی به پنجاه هزار دلار خرید.

بور خارت که پس از این تهاجم وحشیانه از بقیع دیدن کرده مینویسد:

وهابیها همهی گنبدها را خراب کرده‌اند، فقط تعدادی بر فراز ائمه، عباس، فاطمه و عمات پیامبر، باقی مانده است. (۴۴)

وی اضافه میکند که در احد گنبد حضرت حمزه را تخریب کرده‌اند، ولی به قبر دست نزده‌اند، ولی قبور دوازده تن از شهدای احد را با خاک یکسان کرده‌اند.

پس از سقوط دولت سعودی، سلطان محمود عثمانی آنها را بازسازی کرد. (۴۵)

یکبار دیگر دولت آل سعود به قدرت رسیده، مقابری را در سال ۱۳۴۳ ق، در مدینه تخریب کردند.

مرحوم مدرس روز هشتم شهریور ۱۳۰۴ ش. برابر دهم صفر ۱۳۴۴ ق. در مجلس نطق مهمی ایراد نمود. در نتیجه روز شنبه ۱۶ صفر ۱۳۴۴ ق. در سرتاسر ایران عزای ملی اعلام شد.

هیأتی از سوی دولت ایران به جدّه رفت. با ملک عبدالعزیز دیدار و گفتگو نمودند، عبدالعزیز در این گفتگو خیلی نرمش نشان داد، ولی طولی نکشید که پایه‌های آل سعود استوار گردید و دیگر مقابر موجود، از جمله گنبدها و بارگاه ائمه‌ی بقیع را تخریب کردند. دولت دست‌نشانده آل سعود، با دستیاری انگلیس روز ۲۴ جمادی الثانیه ۱۳۴۴ ق رسماً به قدرت رسید و در هشتم شوال همان سال بقیع را به تلی از خاکستر تبدیل کرد.

هدم قبور ائمه‌ی بقیع علیهم السلام دقیقاً روز هشتم شوال ۱۳۴۴ قمری، برابر دوم اردیبهشت ۱۳۰۴ شمسی و ۲۱ آوریل ۱۹۲۶ میلادی می‌باشد.

مستر روتر که در همانسال از مدینه دیدن کرده مینویسد:

همه جا تل خاک، سنگ، آجر، چوب، و تخته است، شهر مدینه، به یک شهر زلزله‌زده شباهت دارد که ساختمانها فرو ریخته، تلی از خاک، چوب و آجر و دیگر مصالح ساختمانی به چشم می‌خورد. (۴۶)

کارنامه‌ی سیاه آل سعود

جنایات آل سعود به هدم قبور منحصر نمی‌شود، بلکه در این دو قرن که از تولد نامشروع این دولت دست نشانده می‌گذرد، جنایات زیر را انجام دادند:

۱. قتل عام اهالی کربلا در روز عید غدیر خم ۱۲۱۶ ق.
 ۲. حمله به شهر مقدس نجف اشرف، در روز نهم صفر ۱۲۲۱ ق.
 ۳. حمله‌ی مجدد به نجف اشرف در جمادی الثانیة ۱۲۲۲ ق.
 ۴. محاصره‌ی کربلا و جله در سال ۱۲۲۵ ق.
 ۵. حمله به سوریه به سال ۱۲۲۵ ق.
 ۶. حمله به یمن در سال ۱۳۴۱ ق.
 ۷. حمله به طائف در سال ۱۳۴۳ ق.
 ۸. حمله به اردن به سال ۱۳۴۳ و ۱۳۴۶ ق.
 ۹. حمله به مدینه منوره در سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ ق.
 ۱۰. تهاجم به مکه‌ی معظمه و هدم قبر شریف حضرت خدیجه، حضرت ابوطالب و حضرت عبدالمطلب. و در ادامه تخریب خانه حضرت خدیجه در مکه معظمه خانه ابویوب انصاری در مدینه، قبر مطهر حضرت آمنه در ابواء، قبر مطهر حضرت علی بن جعفر در عُریض و ... با این همه جنایت که وهابیان انجام داده‌اند، آرزوی آنها برآورده نشده و در صدد فرصتی هستند که قبر مطهر پیامبر اکرم را نیز همانند ائمه‌ی بقیع به تلی از خاک مبدل سازند.
- البانی می‌گوید: زیارت مدینه، قصد زیارت با سفر، توسل، طلب شفاعت، سلام بر قبر و ابقای قبر پیامبر همهاش بدعت است. (۴۷)
- ابراهیم جبهان، گامی فراتر نهاده مینویسد: ادخال قبر پیامبر در مسجد بدعت و گناه است و سکوت مسلمانان نیز گناه میباشد. (۴۸)
- در گزارش هیأت اعزامی دولت ایران به مدینه آمده است:
- سه روز در مدینه توقف کردیم، روز دوم بعد از ادای فرضیه‌ی زیارت و عتبه بوسی، آغاباشی (خادم باشی) برای هریک از ما لباس خدمتکار آورد، پوشیدیم بالای مناره رفتیم، یکصد و سی پله بالا رفتیم، از آنجا قبه‌ی مطهر را زیارت نمودیم، از آنجا مشاهده کردیم که فقط پنج گلوله تفنگ به قبه‌ی مطهر اصابت نموده و اندکی سوراخ کرده است. (۴۹)
- جالب توجه است که فرستاده رضاخان که سعی بلیغ داشت جنایات وهابیه را کم‌رنگ جلوه دهد. به مشاهده‌ی جای پنج گلوله بر فراز گنبد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تصریح کرده است.
- عبدالعزیز پس از آنکه تخریب قبور را به گردن دیگران میاندازد، خطاب به نماینده دولت ایران می‌گوید:
- بلی وهابیه‌ها اعتقاد به تعمیر قبرها و قبه‌ها ندارند و آن را بدعت میدانند و حدیث: «خیر القبور الدّوارس» را معتبر می‌شناسند. (۵۰)

آیا تعمیر قبور بدعت است؟

نگارنده در سال ۱۳۵۵ یا ۱۳۵۶ ش. عازم حج بودم، روز چهارم ذیحجه اجازه‌ی خروج از کشور را پیدا کردم، برای جدّه بلیط پیدا نکردم، به ناگزیر بلیط تهران، شیراز، طهران و ریاض گرفتم، در ریاض به راننده تاکسی گفتم: من میخواهم به قبرستانی که سلاطین

آل سعود در آن مدفون هستند بروم، چون وارد قبرستان مربوطه شدم، دیدم همهی قبرهای سلاطین آل سعود با مرمرهای قیمتی تزئین شده‌اند.

پس حدیث مجعول «خیر القبور الدّوارس» منحصراً در مورد قبور مربوط به اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشد و شامل سلاطین آل سعود نمیشود.

در حالی رژیم آل سعود موسسه‌های برای نگهداری آثار و وسائل شخصی ملک عبدالعزیز، همچون شمشیر، انگشتر، ساعت شخصی، سلاحهای کمری، ماشین شخصی، اتاق خواب و لباسهای داخلی وی، به نام: «داره الملک عبدالعزیز» تاسیس کرده، که همه آثار بر جای مانده از پیامبر اکرم را به کلی منهدم کرده است.

رژیم سعودی ۱۲ میلیون ریال سعودی برای حفاظت و نگهداری ویرانه‌های دژ سعودی در درعیه اختصاص داده، ویرانه‌های حصن کعب بن اشرف یهودی را با چنگ و دندان حفاظت میکند، در کنار دیوارهای بر جای مانده‌ی آن، تابلوهای هشدار دهند زده و اعلام کرده که هر گونه دست زدن به آن پیگرد قانونی دارد، ولی همهی آثار تاریخی مربوط به پیامبر اکرم را به کلی از بین برده است (۵۱)

این شیوه رفتار آل سعود با قبور، بر خلاف سیره‌ی پیامبر اکرم، اصحاب و خاندان عصمت و طهارت می‌باشد، اینک به چند حدیث در این رابطه اشاره میکنیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شخصاً روی قبر عثمان بن مظعون سنگ بزرگی گذاشت تا نشان باشد و آثار قبر از بین نرود. (۵۲)

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از دفن فرزندش ابراهیم به دست مبارک خود بر آن آب می‌پاشید تا قبر محکم شود و با وزش باد خاکهای روی قبر از بین نرود. (۵۳)

۳. پس از ساختن لحد ابراهیم سوراخی در قبر ابراهیم پیدا شد، حضرت امر فرمود که آن را درست کنند، پرسیدند: آیا این کار نفعی به حال میت دارد؟

فرمود: دیدگان، بازماندگان را روشن میکند. (۵۴)

۴. حضرت فاطمه سلام الله علیها هر هفته به زیارت حضرت حمزه تشریف میبرد، قبر شریف جناب حمزه را تعمیر و مرمت میکرد و با سنگی بر آن نشان گذاشته بود. (۵۵)

۵. علامه مجلسی فرموده: در روایات مستفیضه به تعمیر قبور انبیاء و اولیا ترغیب شده، که از بین نروند و مردم از زیارت آنها محروم نشوند. (۵۶)

۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبر مادرش را در ابواء زیارت کرد و آن را ترمیم نمود. (۵۷)

۷. امام صادق علیه السلام پولی به صفوان داد که قبر مطهر امیر مؤمنان علیه السلام را تعمیر کند. (۵۸)

۸. امام کاظم علیه السلام دستور داد که قبر دخترش را در «فیه» گچکاری کنند و نامش را در لوحی بنویسند و بر آن نصب کنند. (۵۹)

۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

یا علی! مَنْ عَمَرَ قُبُورِكُمْ وَ تَعَاهَدَهَا فَكَأَنَّهَا أَعَانَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُودَ عَلَى بِنَاءِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ

علی جان! هر کس قبرهای شما را تعمیر کند، و به زیارت آنها مداومت کند، همانند کسی است که در ساختن بیت المقدس به حضرت سلیمان یاری کرده باشد. (۶۰)

۱۰. پیامبر رحمت در فرازی از همین حدیث شریف فرمود:

لکن تفالهایی از مردم، زائران قبر شما را سرزنش میکنند، همانگونه که زنان بدکاره را برای کار خلافشان نکوهش کنند.

آنها بدترین امت من هستند، هرگز شفاعت من به آنها نمیرسد و به حوض من وارد نمیشوند. (۶۱)

این حدیث شریف یکی از معجزات غیبی پیامبر اکرم می باشد، که گویی وهابیت گمراه امروز و رفتار ناهنجار آنان با دوستان اهل بیت و نکوهش آنها از زیارت اهل قبور را با چشم خود میدید و با بیان شفاف خود از این گروه سخن گفته و آنها را «تفاله» تعبیر کرده است.

این حدیث شریف در کتاب تهذیب شیخ طوسی، سه قرن پیش از ابن تیمیه و هشت قرن پیش از محمد بن عبدالوهاب ثبت شده است.

هشدار بسیار زیبای مولای متقیان نیز در مورد حفاظت و حراست از بقعهها و قبهها بسیار حائز اهمیت است که میفرماید:

اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبُهَائِمِ

هان ای بندگان خدا، از خدا تقوا کنید در مورد بندگان خدا و سرزمینهای خدا، که شما مورد بازخواست قرار خواهید گرفت، حتی در مورد بقعهها و حیوانات. (۶۲)

آتشی که محمد بن عبدالوهاب در اجرای نقشههای شیطان اربابان انگلیسی خود بر افروخت، امروز شعله‌ور شده، حرم مطهر عسکرین علیهما السلام را طعمهی آتش نمود و بزرگترین گنبد طلائی روی زمین را منهدم نمود. این هتک حرمت که بزرگترین فاجعهی قرن به شمار می آید، در روز چهارشنبه ۲۳ محرم الحرام ۱۴۲۷ ق. برابر ۳/۱۲/۸۴ ش. ۲۲ فوریه ۲۰۰۶ م. رخ داد و جهان اسلام را در سوگ نشانید.

همین تفالهای سلفی - وهابی با تمام قدرت تلاش میکنند که سوریه را ناامن کنند، تا بتوانند حرم مطهر عقيله العرب بانوی قهرمان کربلا را منهدم سازند.

چندی قبل سفرالحوالی به ضرورت انهدام بارگاه حضرت زینب علیها السلام فتوا داد.

ولی این کوردلان کور خوانده‌اند، در همین دمشق، عقيله العرب حضرت زینب کبری سلام الله علیها در مجلس یزید، خطاب به آن طاغوت بزرگ زمان فرمود:

فَوَ اللَّهُ لَا تَمُحُو ذَكَرَنَا وَلَا تُمِيتُ وَحِينًا وَلَا تَدْرِكُ أَمْرَنَا؛

هان ای یزید بدکار، به خدا سوگند تو نمیتوانی نام نیک ما را از صفحات تاریخ محو کنی، تو هرگز نمیتوانی آن چه را که به خاندان ما وحی شده از بین ببری، تو هرگز نمیتوانی به جایگاه بلند ما راه یابی. (۶۳)

به کوری چشم «سفرالحواری» بانوی قهرمان کربلا- بر دلها حکومت میکند و بیشترین کسانی که وارد سوریه میشوند، برای عتبه بوسی بارگاه حضرت زینب سلام الله علیها بار سفر بسته، از اقطار و اکناف جهان به این کشور سفر میکنند.

ولی از یزید و معاویه، نامی در تاریخ جز برای لعن و نفرین برده نمیشود.

چهارده قرن است که حضرت فاطمه سلام الله علیها قبر شناخته شده ندارد، ولی چیزی از جایگاه بلندش کم نشده است.

هدم قبور ائمه بقیع و هتک حرمت حرمین عسکرین نیز چیزی از عظمت و مقام آنها نکاسته و نمیکاهد.

کتابنامه بقیع

فاجعهی بقیع یکی از مصائب جهان اسلام است که در طول دو قرن اخیر هر کتابی پیرامون تاریخ مدینه، تاریخ ائمه بقیع و تاریخ وهابیت و کارنامهی سیاه آل سعود نوشته شده، بخشی از آن به فاجعهی بقیع اختصاص یافته، و افزون بر آنها تعدادی کتاب مستقل پیرامون فاجعهی بقیع چاپ و منتشر شده که به تعدادی از آنها در اینجا اشاره میکنیم:

۱. بقیع خاموش پر فریاد از جمعی از مولفان
 ۲. البقیع الغرقد، از مرحوم آیه الله العظمی سید محمد شیرازی، قدس سره
 ۳. بقیع الغرقد، از شیخ محمد امین امینی
 ۴. البقیع قصه تدمیر آل سعود، از یوسف الهاجری
 ۵. تاریخ حرم ائمه بقیع، از محمد صادق نجمی
 ۶. تخریب و بازسازی بقیع، از سید علی قاضی عسکر
 ۷. ذکری ائمه البقیع، از گروهی از علمای کربلا
 ۸. شب‌نم احساس، از محمد شجاعی
 ۹. فاجعه البقیع، از جلال معاش
 ۱۰. قبور ائمه البقیع قبل تهدیمها، از عبدالحسین حیدری
 ۱۱. محبوبیت ائمه بقیع نزد اهل سنت، از سید حسین اسحاقی
 ۱۲. نامهای به بقیع مقدس، از سید محمود بحر العلوم میردامادی
 ۱۳. ویژه نامه بقیع، از جامعه روحانیت مبارز جزیره العرب
 ۱۴. یک قدم برای بقیع، از مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان
- از نگارنده سطور، دو نوشتار در سال ۱۳۸۶ ش در اصفهان منتشر شد:

(۱) از سقیفه تا انهدام سامرا، نشر بیت العباس

(۲) بقیع گنجینه تاریخ اسلام، نشر هیأت محبین اهل بیت (ع)

و اینک گروهی از شاعران متعهد و درد آشنا دامن همت به کمر بسته، تصمیم گرفتند که با گردآوری اشعار نغز و پرمغز پیرامون بقیع مظلوم، آن گنجینه تاریخ اسلام را از غربت در آورند و با آرایه‌های اشعار شیوا و پرمحتوا، مداحان اهل بیت را دستمایه‌های پر بار تقدیم دارند، که در هر مناسبتی به ویژه در هشتم شوال و ایام شهادت چهار امام نور مدفون در بقیع، مجالس اهل بیت علیهم السلام را با نوای گرم خود و اشعار سامان یافته تقدیمی بیش از پیش پر نور و پر سوز نمایند.

ما ضمن سپاس و تقدیر از شاعران فرهیخته‌های که آثارشان زینت بخش صفحات این کتاب می‌باشد از مدّاح خاندان عصمت و طهارت آقای مهرپرور و همکاران ادب گسترشان تشکر نموده، اجر و پاداش این زحمات را قرب ظهور و تقرب به امام نور و آبادانی بقیع و دیگر اماکن مقدسه‌های که به دست ستمگران در طول تاریخ منهدم گشته است مسألت مینماییم.

حوزه علمیه قم - علی اکبر مهدی پور

اشعار

کفر پیشین

آذین اصفهانی (سید مرتضی منصور)

دشمنی با شیعه را آنان که آیین ساختند

پوشش این جرم خود را یاری از دین ساختند

قوم وهابی از حق دور با هتک بقیع

قلبهای شیعیان را زار و غمگین ساختند
 چار حجت را نمودند از جفا، هتک حریم
 زین عمل آزرده حال آل یاسین ساختند
 یا علی بنگر که قوم کافر شیطانمرام
 خویش را دنبالهر و بر کفر پیشین ساختند
 در نظرهای خداجویان، وهابیهای دون
 خویش را مستلزم توهین و نفرین ساختند
 غم مخور ای شیعه چون آل سعود کینهتوز
 قعر دوزخ را برای خویش تضمین ساختند
 دشمنان آل پیغمبر ز تخریب بقیع
 تا ابد غم را قرین قلب «آذین» ساختند

بیداد

امینی (اسد الله)

برو نگر که ز بیداد نامسلمانها
 چه کرده‌اند به انسان به نام انسانها
 برو حجاز و نظر کن به جور وهابی
 که چاک گشته ز بیدادشان گریبانها
 ز ظلم و فتنه این دشمنان آل رسول
 به عرش رفته همی ناله‌ها و افغانها
 کجا نوشته که خلق زمانه را این سان
 به خاک و خون بکشاند در خیابانها
 چقدر اهل تشیع کشیده‌اند آزار
 به راه دین خدا در تمام دورانها
 به نام حق و حقیقت به نام آزادی
 فتاده هستی انسان به دست طوفانها
 چو عمرو عاص لعین، خاندان آل سعود
 ز مکر بر سر نی میکنند قرآنها
 برای اینکه بگیرند اختیار از خلق
 برو ببین که چه غوغا بود به زندانها
 ز عدل و داد نمانده نشان به جز نامی
 به زیر پای نهادند تا که وجدانها
 امان ز دست گروهی به نام وهابی

ز بغض و کینه نمودند @ نغض پیمانها
 مگر نبوده مدینه سرای وحی خدا
 چرا فتاده به دست گروه نادانها
 برو به شهر مدینه به سرزمین بقیع
 فتاده روضه رضوان به دست شیطانها
 من از خرابی صحن بقیع میگویم
 برو نگر که ببینی تو نقض پیمانها
 نموده نسل معاویه آن زمان اقدام
 به هتک حرمت آن سرزمین ایمانها
 دلم برای تو خون است منجی عالم
 که خون دل خوری از دست نامسلمانها
 بیا به امر حق ای منجی بشر اینک
 دگر ز ریشه برانداز نسل شیطانها
 تویی امید و تویی حامی و تویی سرور
 بیا بیا که تویی یاور مسلمانها
 بیا که مدح و ثنا گسترت امینی، شد
 ز هجر روی تو سرگشته بیابانها

عَلَم ننگ

انصاری همدانی (مهدی)
 روزگاری بقیع صحنی داشت
 روی هر قبر گنبدی بر پا
 محفل انس شیعیان علی
 حلقه نشر اعتقاد و دعا
 فی المثل چار قبر پاک بقیع
 کآسمان، نور گیرد از آنها
 روی هر یک از آن قبور شریف
 بُد ضریحی به سادگی پیدا
 عاقبت فرقه‌های غلطپندار
 دل اهل ولا ز کین خستند
 با فتاوی پوچ و بیپایه
 پی تخریب آن کمر بستند
 پی تاراج و غارت اموال

رو به خلد بقیع آوردند
 هر چه بر یادگار آنجا بود
 همه را جمع کرده و بردند
 شرح این ماجرا چه گویم من
 قلب شیعه ز غصه سوزان بود
 بعد وحشیگری وهابی
 قبرها هم به خاک یکسان بود
 در حقوق ائمه‌ی معصوم
 گر چه وهابیان ستم کردند
 با همین فعل و بی حیایی خود
 ننگ خود را فقط علم کردند
 گر به ظاهر بقیع ویران است
 محفل ذکرشان مدینه‌ی ماست
 قبره فی قلوب من والاه
 قبر آنها میان سینه‌ی ماست
 قبل از اینان مدینه نبوی
 اولین هتک حرمت آنجا بود
 آری آنجا که شعله آتش
 از در خانه، سمت زهرا بود
 بهر سوگ پیمبر اعظم
 دسته گل نه، طناب آوردند
 تا که کشتند طفل زهرا را
 ظلم خود، بیحساب آوردند
 از همان نسل بوده و هستند
 هر که با مرتضی است در پیکار
 خوش بود آن زمان که مهدی دین
 میکشد جسمشان به چوبهی دار
 این ستمها ز خصم بر شیعه
 میرسد تا امام ما برسد
 این عداوت همیشه بوده و هست
 تا که آن مقتدا فرا برسد
 منتظرها همه به پا خیزید
 شیعه باید حماسهای سازد

نذر ذکر فرج کند هر روز
تا که این قوم را بر اندازد

سپاه ابرهه

ایزدی همدانی (امیر)
السلام ای خلیفه الرحمن
مهدی منتقم امام زمان
ای امید نهایی اسلام
حاجی کربلایی اسلام
حجۀ ابن الحسن طیب وجود!
بر تو از خلق لحظه لحظه درود
ملک اسلام پیکری است عظیم
ای شفابخش! جسم اوست سقیم
مدتی شد در این تن طاهر
غدهای پر ز چرک شد ظاهر
نیشتر را بر آری فِضاد
تا از این غده تن نرفته به باد
غده پر از عفونت و چرک است
عاملش جهل و بدعت و شرک است
نیشتر زن به غدهی پر چرک
تا شود خون آن بری از شرک
ور نه این چرک و خون آلوده
میکنند جسم شرع فرسوده
خون آلوده شد چو پالایش
جسم یابد قرار و آسایش
چیست آن غده؟ فکر وهابی است!
گر چه چون نقش بر سر آبی است
این جماعت وجودشان شوم است
ایده‌هاشان پلید و مسموم است
گر بیابند قدرت افزونتر
کعبه را میکنند زیر و زبر
جملهی «حسینا کتاب الله»
کرده این سست عنصران، گمراه

غلط خود درست میدانند
 شیعه را اهل شرک میخوانند
 بد شمارند خوبی گل را
 شرک نامند هر توکل را
 جای ابراز دوستی کردن
 رو به آل رسول آوردن
 در مدینه نمودهاوند ایشان
 حرم اهل بیت را ویران
 در مثل چون سپاه ابرههاند
 دوستدار گناه ابرههاند
 عاقبت هم به دانهی سجیل
 هدف آیند چون صحابی فیل
 باعث شرم امت اسلام
 گشتهاند این گروه خون آشام
 هست شیطان امیر لشکرشان
 قتل شیعه است حکم دیگرشان
 مهدی ای لنگر زمین و زمان
 حجت و محور زمین و زمان
 دست حق کن ز آستین بیرون
 کفر را کن ز ملک دین بیرون
 یافت دامان یثرب و مکه
 از وجود چنین کسان لکه
 لکه کن پاک ای خدا را ید!
 خصم را @ خسف کن به خاک بلد
 داغها روی سینه دارم من
 آرزوی مدینه دارم من
 چه مدینه که شهر نور و دعاست
 تاج فرقتش ز قبۀ الخضر است
 شهر پیغمبر خدای جلیل
 جایگاه نزول جبرائیل
 مسجد آن مطاف خیل ملک
 آستانش رفیعت ز فلک
 بین محراب و منبرش چه خوش است

روضهای از ریاض جنت هست
 در بقیعش گرفته است به بر
 قبر دُرْدانه‌های پیغمبر
 قبر خوبان و راسخونُ فی العلم
 سوره‌ی رحمت حق، آیتِ حلم
 جایگاه چهار حجت دین
 حرم پاکِ عترت یاسین
 بود بر آن قبور بارگهی
 که از آن تا بهشت بود رهی
 گنبدی با ضریح زیبایی
 داشتند آن گُلان زهرایی
 حیف شد آن حریم ویران شد
 قبر پاکان به خاک یکسان شد
 این جنایت به دست اهل ضلال
 سر زده روز هشتم شوال
 هشت شوال هست روز بقیع
 سینه‌ها پر بود ز سوز بقیع
 شیعه این روز را سیه‌پوش است
 با غم و غصه‌ها هم آغوش است
 تا که سر هست بار بر دوشم
 نشود این بلا فراموشم
 هتکِ گردید حرمت عترت
 بود این هم ز غربت عترت
 ای به دل‌هایتان ولای ولی
 دوستانان و پیروان علی!
 دشمنان خدا قسم خوردند
 همه هستی خویش آوردند
 عهد بستند که به غیر از نام
 هیچ باقی نماند از اسلام
 پیر کفتارهای استعمار
 عزم دارند دین کنند شکار
 بر علیه عدو و هابی
 ضد کج باوران اراهابی

خطبا خطبه را کنید آغاز
 بنمایید مشت دشمن باز
 علما علم خود نشان بدهید
 پاسخ شبهه‌هایشان بدهید
 شیعیان علی! به پا خیزید
 شعله بر خرمن عدو ریزید
 تیر بر چشم دشمن اندازید
 آن حرم را ز نو بنا سازید
 شعرا پیرو کَمیت شوید
 حامی و یار اهل بیت شوید
 با غزل یا قصیده‌های بلند
 تیر باید به سوی خصم فکند
 زین جهاد عظیم نگریزید
 با مریدان شرک بستیزید
 خیل و هابیان در این دوران
 هست چون لشکر ابوسفیان
 تیغ بر کف گرفته چون حمزه
 بر تن خصم دون فکن لرزه
 هر یک از ما وظیفه‌های داریم
 باید این بار مانده برداریم
 نیست کافی فقط دعای فرج
 کار باید شود برای فرج
 «ایزدی» باش یاور مهدی
 باش حسانِ لشکر مهدی

شاخ شیطان

ایزدی همدانی (امیر)
 این بقیع است و قبله‌ی دل و جان
 طوفِ آن آرزوی حق جویان
 حرمی محترم، حریمی پاک
 گوشه‌های از بهشت، در دل خاک
 جلوه‌گاه چهار چشمه‌ی نور
 گردِ آن توتیای دیده‌ی حور

مهر بر خاک آن سجود آرد
 سرِ تعظیم را فرود آرد
 بس بُود این شرافتش که در آن
 مرقد فاطمه بُود پنهان
 داغ نیکان گرفت بر سینه
 شد به دُرهای علم، گنجینه
 هست در قلب او چهار امام
 که بر ایشان مُدام باد سلام
 حسن مجتبی و زین عباد
 باقرِ علم و صادق آزاد
 این زمین، مهد شور و احساس است
 قبر بنت اسد و عباس است
 قبر پاک جناب ابراهیم
 دُرّ مدفون به خاکِ دُرّ یتیم
 مدفن عمه‌های هادی کُل
 برخی از همسرانِ ختم رسل
 قبر اُمّ البنین و ارسته
 کز خدایش درودِ پیوسته
 قبر چندین صحابی دلپاک
 از مریدانِ خواجهی «لولاک»
 همه در این مکان محترم است
 کز شرف، رشکِ روضهی ارم است
 داشت این روضهی بلندمقام
 گنبد و بارگاه، در ایام
 هر دم از مسلمینِ کُلّ جهان
 داشت زائر، قبور این پاکان
 خاصه قبر ائمه‌ی معصوم
 محترم بُود و طوفشان، مرسوم
 روی آن قبرها ضریحی بود
 کز جفا، خصمِ کافرش بُر بود
 اهل بدعت که گمره و پستند
 حُرمتِ آن حریم، بشکستند
 از جفاجویی همان دونان

بقعه‌ی آلِ نور شد ویران
 حرم اهل بیت پیغمبر
 شد برابر به خاک ره، یکسر
 هشتمین روز از مهِ شوّال
 این عمل سر زد از گروه ضلال
 فرقه‌ی بیت‌میز و هابی
 با مریدان پست و ارهابی
 ظلم کردند تا توانستند
 شیعه را اهل شرک دانستند
 این گروهند مسلمین را عار
 دست‌پرده‌های استعمار
 سُنی و شیعه زین ستمکاران
 جورها دیده‌اند، در دوران
 رهبر این گروه کفر مآب
 شد محمد ز نسل عبد و هاب
 ابن تیمیه و عقاید وی
 شد بر این سُست سازه، پایه و پی
 گفت احمد، امین صاحب مجد
 شاخ شیطان برون شود از نجد
 آری، این فرقه، شاخ شیطان است
 دشمن اهل بیت و قرآنست
 فقه این فرقه چیست؟ خیره سری
 متن فتواش، اصل فتنه‌گری
 بر حریم ائمه‌ی اسلام
 مظهر شرک، میگذارد نام
 حکم بر هدمشان کند از کین
 بر چنین مکتبی ز حق نفرین
 این جماعت ز نسل بوجهلند
 گمره و بی شعور و نااهلند
 در پی اعتقاد بیبایه
 میروند این گروه چون سایه
 فهم خود خاک‌روبه سان، رُفتند
 ابن تیمیه را پذیرفتند

پشت بر مصحفِ مبین کردند
 رو به فردی سفیه آوردند
 انهدامِ بقاعِ پاکِ بقیع
 با چنان جایگاه و شأنِ رفیع
 امرِ ابلیس را اطاعت بود
 از جنایاتِ این جماعت بود
 ما محبانِ حیدر کزّار
 دست بردار، نیستیم از کار
 بر چنین ایده، سخت می‌تازیم
 آن حرّمها، دوباره می‌سازیم
 حرّمی چون حرّمِ شمسِ شمس
 در مدینه بنا کنیم، چو طوس
 با عنایات حضرت دادار
 روی قبر ائمه‌ی اطهار
 گنبد دیگری کنیم بنا
 دلزّبا، مثل گنبد خضرا
 شیعه را منطقی بود محکم
 نیست در این بساط، چیزی کم
 داده شیعه به ابن تیمیه
 پاسخ از حوزهای علمیه
 که بنا بر قبورِ حقجویان
 ریشهاش آب خورده از قرآن
 هست در احتجاجِ اهرمنم
 سورهی کُهِف، شاهدِ سخنم
 طبق آیات روح بخشِ کتاب
 بر روی قبرِ پاکِ آن اصحاب
 پیش آن غارِ شاهدِ اعجاز
 مسجدی ساختند بهر نماز
 ای مریدانِ پورِ عبد و هاب
 تا به کی خویش را زنید به خواب؟
 این بود منطق کتاب خدا
 عذرتان چیست در جواب خدا؟
 سر به حکمِ اله، بسپارید

رو به قرآن و اهل بیت آرید
 دمِ آخر ز شام تاریک است
 صبح روزِ ظهور، نزدیک است
 از می فتح، کام میگیریم
 از شما انتقام میگیریم
 وه! که آن روز، روز هم عهدی است
 فصلِ زیبای دولت مهدی است
 «ایزدی» را امید بسیار است
 آرزویش وصال دلداری است
 بقعه چار امام ویران شد
 ظلم و هابیان نمایان شد
 دل ایرانیان به درد آمد
 ناله شیعیان به کیوان شد
 دلم از غربت بقیع ای دوست
 همچو احوال من پریشان شد
 چشم بیدار شیعیان علی
 اشک ریزان چو ابر نیشان شد
 آی و هابیان بی ایمان
 کارت‌ان بر خلاف قرآن شد
 بنگرید ارج و عز و جاه رضا (ع)
 گر شما را گذر به ایران شد
 تا ببینید بارگاه رضا (ع)
 باعث شوکت خراسان شد
 همچنان سامرا که شد آباد
 بلکه زیباییش دو چندان شد
 بقعه‌ها را دوباره میسازیم
 دور اگر از حجاز شیطان شد
 (برزگر) دمبدم بنال و بگو
 بقعه چار امام ویران شد

ظلم و هابیان

برزگر (علی وحید)
 مدینه سرزمین وحی و الهام

همان شهری که باشد مهد اسلام
 عجب شهری بود شهر مدینه
 ندارد در جهان مثل و قرینه
 زمینش بهتر از صحرای سیناست
 به حق گنجینهی دُرهای یکتاست
 حریم مصطفی باشد در آنجا
 که نورش میرسد تا عرش اعلا
 در این وادی شده زهرای اطهر
 دلش از ظلم دشمنها مکدر
 همین جا فاطمه بیحد غمین شد
 به دست دشمنان نقش زمین شد

شهر مدینه

بی ریا (رضا رضایی)
 از این رو «بی ریا» دارد صد افغان
 همیگوید سخن با چشم گریان
 بنالم روز و شب در سوگ زهرا
 که شد کشته ز جور قوم اعداء
 چنین مظلومهای عالم ندیده
 بریزم بهر او اشک از دو دیده
 نه تنها فاطمه اینجا غمین شد
 در این وادی حسن هم بی معین شد
 کنار قبر جدش نزد یاران
 شده جسم شریفش تیر باران
 علی ابن الحسین آن فخر عباد
 شهید را دین گشته ز بیداد
 امامی کو لقب بگرفته باقر
 بسی اینجا شده آزرده خاطر
 وجود حضرت صادق در این شهر
 شده دلخون ز ظلم و کینه و زهر
 حریم تربت پاک امامان
 ز ظلم و کید دشمن گشته ویران
 دمادم میکشم آهی ز سینه

برای غربت شهر مدینه
همان شهری که دائم در خروش است
صدای آه و افغانش به گوش است
گذار شیعه گرفتد در این شهر
شود چشمان او از گریه چون بحر
هر آن کس در بقیع آنی نهد پا
بیند تربت گل‌های زهرا

فریاد خاموش

پاکدامن خراسانی (علی)
السلام ای حریم تعالی
ای بقیع ای بهشت دل ما
ای که در موطن خود غریبی
در دل مسکن خود غریبی
میدهم از خراسان پیامت
من فدای تو و چار امامت
گر چه هستی به ظاهر تو خاموش
هرگز ای جان نگردي فراموش
روز تخریب تو روز درد است
روز غم خوردن، داغ مرد است
دل ز ویرانی تو غمین است
آهش از داغ تو آتشین است
آن گروهی که بیعت شکستند
مصطفی را دل از کینه خستند
باب هر فتنهای را گشودند
ظلم بر آل احمد نمودند
چون علی را غریبانه دیدند
خانهای را به آتش کشیدند
پهلوی همسرش را شکستند
دست او را در آن خانه بستند
ای بقیع از ستمهای آنان
بقعه‌های تو گردیده ویران
غم مخور این شب غم سر آید

روزی آن مظهر داور آید
 وارث ذوالفقار آید از ره
 صاحب اقتدار آید از ره
 بر عدوی تو آن دم بتازد
 از نو این بقیعها را بسازد
 غاصبان را برون آرد از خاک
 تا زمین گردد از لویشان پاک
 گیرد از دشمن دین و ایمان
 انتقام تمام شهیدان

قطعهای از بهشت

خروش اصفهانی (عباس شاهزیدی)
 در خون نشست ماه و سیاه آفتاب شد
 تا در بقیع عرش الهی خراب شد
 داغی دوباره بود به غمهای اهل بیت
 روز سیاه هدم حرمهای اهل بیت
 آل سعود و آل امیه یکی شدند
 این قوم با معاویه همپالکی شدند
 بی شک در این معامله شیطان سهیم بود
 آل سعود ابرههی این حریم بود
 تنگ بقیع چشم پیمبر گواه بود
 این دشمنی تقاص کدامین گناه بود؟
 آن روز جبرئیل به عالم خطاب کرد
 «تبت یدا» کسی که حرم را خراب کرد
 دیروز قوم شبنزه آتش به در زدند
 امروز بر درخت ولایت تبر زدند
 یا رب! بر این مصیبت عظمیٰ توان بده
 سخت است صبر و اجر به صاحب زمان بده
 ای آسمان! به یاری آل علی بیا
 باران بار و عرش خدا را تکان بده
 کانون عشق با دو سه فتوا خراب شد
 یا رب! ز غیب مرگ بر این مفتیان بده
 گفتند: قبر فاطمه در این حوالی است

مهدی بیا و تربت او را نشان بده
 اینجا مزار روشنی خانهی نبی است
 این خاک پاک، تربت در دانهی نبی است
 اینجا سر ملائکه در بندگی خم است
 اینجا مزار خوبترینهای عالم است
 اینجا علی ز گریه خودش را هلاک کرد
 با دست خویش فاطمه را زیر خاک کرد
 شهر مدینه حقّ ولی را نداده است
 اینجا کسی جواب علی را نداده است
 با عترت رسول چه کردند بی گناه
 آل عقاب بستهی شیطان روسیاه
 زانوی غم گرفته بغل یک طرف خلیل
 یک گوشه بهت کرده ز اندوه جبرئیل
 @*****

باران چنین نبوده که من گریه میکنم
 این فصل را برای حسن گریه میکنم
 از غربت مدینه خبر میدهد هنوز
 این فصل بوی لخت جگر میدهد هنوز
 امشب مرا گرفته هوای غریبش
 بشنو تو از بقیع صدای غریبش
 همراه ابرها دل خود را روانه کن
 این بیت را به کربلای غریبش
 این بیت را برای غریبی که شاعران
 کم شعر گفته‌اند برای غریبش
 کم شعر گفته‌اند، نه اینکه نگفته‌اند
 شاید گذاشتند به پای غریبش
 سردار خسته‌های که دلش بس که درد داشت
 جز زهر کین نبود دوی غریبش
 گلدان خاک، غیر حسن لاله‌های نداشت
 ای جان عالمی به فدای غریبش
 تابوت و تیر روز جهان را سیاه کرد
 زینب چگونه رفتن او را نگاه کرد؟
 لرزید پشت ماه و ستاره به خون نشست

این فصل را نوشتم و «کوه از کمر شکست»
 یک عمر مثل شمع تو در خود گریستی
 ای داغ خواندنی چه غریبانه زیستی

درها تمام بسته، مفاتیح را بیار
 سجاده را بگستر و تسیح را بیار
 این گوشه از بقیع بکن صبر بیشتر
 بوی حسین می‌دهد این قبر بیشتر
 این تکه از بهشت که در خاکها گم است
 آهسته‌تر، مزار امام چهارم است
 در خلوتش هنوز پس از سالهای سال
 دریای بیکران دعا در تلاطم است
 یک قطره از صحیفه نورانیاش هنوز
 باران رحمتی است که غرق ترنم است
 این جا شراب ناب مناجات می‌دهند
 هستی و هر چه هست در آن مست این خم است
 بر خاک «شمع محفل طاها» که شمع نیست
 مانند شمع روشنایش نذر مردم است
 از بند بند قافیهها ناله شد بلند
 شاعر دگر نپرس که این بند چندم است
 بسپار با ولایت او دل به سرنوشت
 آن وقت میرسی تو به دروازه‌ی بهشت

امشب کنار این همه غربت مجاورم
 «باز این چه شورش است» می‌آید به خاطر
 هی شعر میوزد به من از سمت بی عبور
 هی محتشم به خاطر من میکند خطور
 این بند، بوی کرب و بلا را می‌آورد
 دارد بقیع حال مرا جا می‌آورد
 محو پرنده‌های مهاجر نشسته‌ام
 این بند را به غربت باقر نشسته‌ام
 انگار بغضهای جهان مانده در گلوم
 می‌گویم «السلام علی باقر العلوم»

ای که رسانده ختم رسولان به تو سلام
 ای قبله‌ی فرشته و ای کعبه‌ی انام
 با ما کمی ز غربت آل عبا بگو
 ما که ندیده‌ایم تو از کربلا بگو
 از قصه‌ی نگین و سلیمان کربلا
 از کام خشک چشمه‌ی آب بقا بگو
 از حال و روز زینب و هنگامه‌ی وداع
 از لحظه‌های رفتن خون خدا بگو
 از شام و کوفه و سر دل‌بند فاطمه
 از آیه‌های آن سر از تن جدا بگو
 از یوسفی که پیرهنی هم به تن نداشت
 از پیکر نهان شده در بوریا بگو
 از ساعتی که میوه‌ی قلبش اجازه خواست
 از آن شیبه‌تر به رسول خدا بگو
 از ماتم سکینه و از مویه‌ی رباب
 از کودکی که زد ز عطش دست و پا بگو
 از عصر خیمه‌ها که به آتش کشیده شد
 روحی لک الفدا تو از آن ماجرا بگو
 این جا چقدر دل که برایت شکسته است
 از لابلای پنجره‌هایی که بسته است

یک گام آن طرف تر، نور حقایق است
 یعنی مزار آینه‌ی عشق، صادق است
 حالا که پشت پنجره تنها نشستهای
 دریای علم را به تماشا نشستهای
 وقتی به قبر خاکی او میکنی نگاه
 حس میکنی به غربت دریا نشستهای
 حس میکنی زمین و زمان گریه میکنند
 وقتی که در مصیبت مولا نشستهای
 بهتی غریب روح تو را چنگ میزند
 یعنی کنار کوه، تو از پا نشستهای
 قرآن ناطق است در این تربت غریب
 ای خاک، روی «علم الاسماء» نشستهای

موسی است این که محو تجلای نور اوست
 ای بیخبر، به سینهی سینا نشستهای
 بر هر دری زدی نشنیدی صدا، کنون
 باب نجات را به تمنا نشستهای
 خورشید علم، ماه جهان نور کردگار
 آن حجتی که شیعه به او دارد افتخار
 این گوشه، خاک طعنه به افلاک میزند
 هر شب فرشته بوسه بر این خاک میزند

بغض غم

راضی اصفهانی (محمد حسن زاده)
 بغض غم دارم خدایا در گلو
 تا به کی باید برم آن را فرو
 شیعه هستم درد دارد سینهام
 زخمدارِ غربتی دیرینهام
 بدعتی دیگر دوباره پا گرفت
 کز سقیفه دستخطش را گرفت
 با امامان دشمنی تشدید شد
 شیعهی آل علی تهدید شد
 فرقهی وهابی شیطانپرست
 حرمت دین و ولایت را شکست
 جملهی احکام را تحریف کرد
 دین حق را واژگون تعریف کرد
 زد به بس اعمال ناشایست دست
 حرمت قبر امامان را شکست
 دشمنی را با علی ترغیب کرد
 قبر فرزندان او تخریب کرد
 بقعههای آن امامان مبین
 بقعهی یار علی، ام البنین
 بقعهی خویشان و یاران رسول
 گنبد پاک عزیزان بتول
 شد خراب از کینه و ویرانه شد
 قلب مهدی زین ستم غمخانه شد

ای دریغا زین عداوت ای دریغ
وامصیبت زین جنایت ای دریغ
آنچه در افعال و هایتست
خارج از آیین انسانیتست
حق کشی آیین و هایتست
کینه ورزی، دین و هایتست
شیعیان باید که همعهدی کنید
همنوایی با دل مهدی کنید
اشک مهدی زین مصیبت جاری است
انتظار او ز شیعه یاری است
هست آن حضرت پریشان بقیع
دیده‌ی او هست گریان بقیع
سینه را همدرد آن دلبر کنید
اوست گریان، دیدگان را تر کنید
شد بقیع آن روز تخریب از جفا
در پی آن منهدم شد سامرا
شیعیان ساکت شدن اینجا خطاست
دشمن دین کینه‌ورز و بیحیاست
دشمن ما در پی تضعیف ماست
فاش گفتن عیثان تکلیف ماست
ای صبا این چامه را بر در بقیع
چشم «راضی» زار گیرد بر بقیع

سرشک زمزم

رستگار خراسانی (سید محمد)
در دل شب آسمانی با صفا دارد بقیع
چون که تنها پرتو از نور خدا دارد بقیع
ازغم ویرانیش جاری سرشک زمزم است
کعبه را هم در سیاهی عزا دارد بقیع
شکوه از اهل مدینه میکند با زائران
در وطن هم از غریبان آشنا دارد بقیع
گر چه بین ما و او دیوار و در حائل بود
ارتباطی با دل اهل ولا دارد بقیع

جان فدای تربت خون گرم او از روی مهر
 چشم گردون را ز خاکش طوطیا دارد بقیع
 مصحف نورست و بیشیرازه در هم ریخته
 گرچه در هر صفحه صدها ماجرا دارد بقیع
 یک چمن گل‌های پر پر را نهان دارد به خاک
 در کنار قبر پیغمبر چهها دارد بقیع
 از دل خاکش فروغ صبح صادق میدمد
 تا ابد سرگشتگان را رهنما دارد بقیع
 از علی ابن الحسین و باقر علم رسول
 راستان را داستان کربلا دارد بقیع
 گریهی عباس دیده روز تشییع حسن
 جسم خونین امام مجتبی دارد بقیع
 نالهی ام البنین از او به گوش آید هنوز
 گر سپاری گوش دل چون نی، نوا دارد بقیع
 «رستگار» این باغ ویران جای غمهای علی است
 بوی زهرا در مشام جان ما دارد بقیع

باغ به تاراج رفته

رستگار خراسانی (سید محمد)
 اگر چه مطلب صد بار گفته را ماند
 بقیع خاطرهی ناشنفته را ماند
 ز هر زبان شنوی باز تازگی دارد
 حدیث قدسی با کس نگفته را ماند
 مدینه چهرهی معصوم صدر اسلام است
 بقیع گوهر بر چهره سُفته را ماند
 ز داغ فاطمه سوزد اگر چه خاموش است
 شرار در جگر سنگ خفته را ماند
 نکرده باز به افشای قبر زهرا لب
 به باغ وحی گل ناشکفته را ماند
 به جز ولی خدا آگه از ضمیرش نیست
 بقیع نالهی در دل نهفته را ماند
 خلاصه سخن اینست «رستگار» خاموش
 بقیع باغ به تاراج رفته را ماند

قبله جان

روحي همداني (محمد مهدي)
 سلام ما به مزارى كه قبله‌ي جان است
 سلام ما به مدینه كه كوي جانان است
 سلام ما به حریم مطهر نبوی
 به آن زمین مقدس كه مهد قرآن است
 سلام ما به بقیع و چهار قبر غریب
 كه شاعر غزلِ غربت امامان است
 سلام ما به بهشت حقیقی دنیا
 به قبر گمشده‌های كه ز دیده پنهان است
 كشانده پای دلم را خدا به آن وادی
 میان تربت پاکی كه مرثیه‌خوان است
 الا بقیع بگو شرح غربت خود را
 بگو كه دیده‌ام از ماتم تو گریان است
 بگو چه شد كه محل نزول اهل سما
 بدون بارگه است و به خاك يكسان است
 برای چیست زیارتگه امام زمان
 بدون گنبد و سقف و ضریح، و ایوان است
 خیر دهید به وهابیان بدطینت
 كه استناد حرم ساختن به قرآن است
 به نصّ سوره‌ی احزاب، آیه بیست و یکم
 بنای خاص سزاوار اهل ایمان است
 اگر چه گشت به دست پلیدتان تخریب
 برای شیعه همان خاكها گلستان است
 امام عصر چو آید به چشم میبند
 كه آستان بقیع همچنان خراسان است

نسل تیغ و تبر

روشن روان همدانی (مجتبی)
 من محبّ امام منتظرم
 سینهای خسته از محن دارم
 در دلم داغ خانمانسوز

قبر ویرانه‌ی حسن دارم

در غم حرمت شکسته‌ی او
سینه باید شکست، سینه‌زنان
دیده واکن بین در این روضه
فاطمه آمده است، سینه‌زنان

خیر مقدم بگو به این بانو
عصمت الله و مظهر پاکی
دختر آسمانی احمد
مادر چار مرقد خاکی

در هوای حرم غریبانه
مادر خسته، باز میخوانم
روضه‌ی یورش عجیب و غریب
با تُنی جانگداز میخوانم

ابترانی ز نسل تیغ و تبر
حمله کردند بر سرای بقیع
ساعتی بعد خاک و خاکستر
ماند از آن همه بنای رفیع

حرم آیه‌های تطهیر و
پای نحس حرامیان!!! ای وای
زاین جسارت رسول خوینها
ناله میزد از آسمان!!! ای وای

در دل آتش چنین داغی
دل زارم ز تاب مانده، بسوز
که از آن بقعه‌ی شریف و رفیع
چار قبر خراب مانده، بسوز

روضه رضوان

سخا اصفهانی (فضل الله شیرانی)
 با اینکه هست ظاهر ویران، بقیع را
 باشد صفای روضه رضوان، بقیع را
 آل سعود آل نحو سندن، ورنه کی؟
 میساختند این همه ویران بقیع را
 این فرقه کافرند و سیهدل که هیچ گاه
 بی حرمتی نکرده مسلمان بقیع را
 آنگونه مشرکند، که تعطیل کرده‌اند
 حتی برای خواندن قرآن بقیع را
 تخریب بقعه‌های سرافراز و باشکوه
 این گونه کرده سر به گریبان بقیع را
 غارت نمود دست پلید یزیدیان
 در سایه دسیسه و دستان بقیع را
 یارب روا مدار کزین بیش بشکنند
 وهابیون سرکش نادان بقیع را
 اما دوباره شیعه‌ی آل علی کند
 با اشک چشم خویش گلستان بقیع را
 ایرانیان به همت خود جلوه میدهند
 چون بارگاه شاه خراسان، بقیع را
 آن پاک گوهران که در این خاک خفته‌اند
 بخشیدهاوند شهرت و عنوان بقیع را
 از آسمان پاک امامت چهار نور
 چون مهر خفته‌اند به دامان بقیع را
 چون مدفن مقدس آل پیمبر است
 داند «سخا» عزیزتر از جان بقیع را

آیین وهابی؟

سُرور اصفهانی (حسین)
 بقیع از دست وهابی بد کیش
 شده ویران بدون شرم و تشویش
 نه از روی پیمبر شرم کردند
 نه از آل علی آزر م کردند!
 خداوندا مزار آن نکویان

مگر حرمت ندارد نزد انسان؟
 به هر جایی که از پاکان مزار است
 ز اهل حق مسلم یادگار است
 مزار اولیاء حق مسلم
 بُود محبوب نزد خلق عالم
 چو مرد حق سر آمد روز گارش
 بود ایمن به هر کیشی مزارش
 روا کی ظلم بر اهل قبور است
 که از انصاف و از ایمان به دور است
 خصوصاً گر ز خیل رهبراند
 که آذین خطهی پیغمبراند
 نمیدانم که در آیین اسلام
 که باشد دینی از دادار علام
 که آیینی ز فرمان خدا بود
 دگر آیین وهابی کجا بود؟
 چو با اسلام باشد نامناسب
 بود وهابی نااهل کاذب
 کجا وهاب کاذب اهل دین بود
 که از آغاز کار از کاذبین بود!
 ز حق خواهم به عین سر فرازی
 کنند از آن ز یاری بازسازی
 بناها همچو دوران نخستین
 شود از بازسازی نیک تزئین
 خداوندا به حق اهل ایمان
 ببخشا شیعیان را نیک سامان
 که بخشند اعتلا دین خدا را
 که ره پویند پاکان هدا را

حرمت حرم

عبدی (نوروز علی عبدالهی رهنانی)
 صحن بقیع را چو معاند خراب کرد
 قلب نبی در آتش حسرت کباب کرد
 مفتی شهر از ره نادانی و عناد

خود را خراب زین عمل ناصواب کرد
 او گفت از ریا که: منم صاحب کتاب
 اما جفا به عترت و اهل کتاب کرد
 بشکست حرمت حرم چار امام دین
 بر شیعیانشان ستم بیحساب کرد
 خود را خراب کرد به فتوای شیعیان
 تا این عمل به گفته‌ی عبد الوهاب کرد
 صد پاره از عناد و ستمکاری و ریا
 قلب رسول و خون جگر بو تراب کرد
 دستش بریده باد ز شمشیر انتقام
 آن کو بقیع و صحن و حرم را خراب کرد
 آن کس که این معامله با شیعیان نمود
 بیحرمتی به زاده‌ی ختمی مآب کرد
 گفتا نیاز بر حرم و بارگاه نیست
 لعنت بر آنکه بر همگان این خطاب کرد
 لعن خدا به آل سعودی که هر زمان
 از خون خلق دست خودش را خضاب کرد
 «عبدی» چو دید غربت و ویرانی بقیع
 خون دل از دو دیده روان جای آب کرد

ظلم بی حساب

فریور اصفهانی (محمدعلی)
 وقتی بقیع از ستم و کین خراب شد
 بی حرمتی به ساحت ختمی مآب شد
 یا ایها المدثر و یا ایها الرسول
 برخیز کن نظر که بقیعت خراب شد
 از داغ این مصیبت عظاما به باغ خلد
 گریان دو چشم فاطمه و بو تراب شد
 از بس زدند آتش کین دشمنان دین
 دل‌های شیعیان همه از غم کباب شد
 عجل وفاتی از چه سبب گفت فاطمه
 آنکه دعای خیر نسا مستجاب شد
 «فُؤْتُ بِرَبِّ كَعْبَه» علی گفت در نماز

مولا به فیض رحمت حق کامیاب شد
 بهر نجات دین و پی انهدام ظلم
 در کربلا به دست حسین انقلاب شد
 هر نقشهای ز کینه کشیدند دشمنان
 آن نقشهها همه نقش بر آب شد
 آتش زدند از ره کین بر کتاب حق
 بیحرمتی به آیه أم الکتاب شد
 در این زمان به شیعهی بحرین و هم یمن
 ظلم و جفا و کینه ز حد بیحساب شد
 یا رب! ز قهر، ریشه وهابیان بکن
 این بهترین پذیرش آنت الوهاب شد
 از فیض خاص حق و مددهای اهل بیت
 شعر «فریور» است که زیب کتاب شد

فتوای وقیحانه

قائمی (علی زمان آبادی)
 با یاد بقیع اشک غم از دیده روان است
 ماتمزده دلهای همه پیر و جوان است
 ظلمی که به اولاد علی شد ز اجانب
 شرحش به خدا بیشتر از حد بیان است
 آنان که عدوی حرم چار امامند
 بد نامیشان شهره به تاریخ جهان است
 فتوای وقیحانهی آن مفتی مزدور
 صاحب نظران را همه جا ورد زبان است
 لعنت به همان مفتی نادان که ندانست
 بر جسم جهان مکتب اسلام چو جان است
 در دین نبی بدعت آن قوم سیهکار
 چون روشنی صبح درخشنده عیان است
 یا رب برسان مصلح جاوید جهان را
 آن مهدی موعود که از دیده نهان است
 آید اگر آن مونس دلهای بهاری
 گلزار نبی ایمن از آسیب خزان است
 باشد همه در رابطهی شوق وصالش

گر «قائمی» از دیده بسی اشکفشان است

غروب عاطفه

قیصر اصفهانی (سید محمد حسن)
 غروب عاطفه آوخ چقدر غمگین است
 در آن دیار که غربت نصیب آیین است
 جنایتی که نمودند آل سفیانی
 هنوز داغ غمش بر دل خداین است
 شمار فتنه‌گریشان بود ز حد افزون
 چنانچه سوز مصیبت برون ز تخمین است
 چه بر سر حرمین بقیع آوردند
 که خاک بستر، بالین آل یاسین است
 چرا تمام به خاک آرمیدگان بقیع
 چراغ مرقدشان نور ماه و پروین است
 چرا که صحن و سرایی ندارد آن سامان
 چرا مزار امامان دین غماگین است
 چرا کسی ز سران عرب نمی‌رسد
 که این معامله رسم کدام آیین است
 خراب شد ز ستم بارگاه معصومین
 که قبله امم و جایگاه تمکین است
 حریم قدس الهی امام دین هادی
 ز خون بیگنهان لاله‌گون و رنگین است
 از آن ستم که به درگاه عسکری کردند
 برون دو چشمه خون از دو چشم حقیین است
 ز سوی خصم ولایت چنین عجب بود
 که این معامله از کینه‌های دیرین است
 وهابیان ریا کار ننگشان بادا
 که فخرشان به چنین کار زشت و ننگین است
 درون آتش دوزخ فتند روز جزا
 که این جماعت بیدین سزایشان این است
 به آن امید که بیند فنای ظالم را
 همین برای دل داغ‌دیده تسکین است
 چگونه شیعه تواند کند به تنهایی

به جان تحمل بار غمی که سنگین است
 دعا کنیم به یاد امام ما مهدی
 که بسته روح اجابت به بال آمین است
 خدا کند که بینیم روی مهدی را
 قسم به خالق هستی امید ما این است
 جمال مهدی موعود پیش رو دیدن
 برای تلخی هجران چشیده شیرین است
 به یاد تربت زهرا و داغ غربت او
 هنوز دل به فغان و دو دیده خونین است
 گریست «قیصر» و بنوشت این مصیبت را
 به خون دیده عجین طرح این مضامین است

منع زوار

به نام او که ناظر بر همه چیزهاست
 نه سال پیش (۱۳۸۲ خورشیدی) وهابیون در مدینه منوره به ستم پیشین خود (یعنی منهدم کردن بقاع متبرکه بقیع) افزودند و به انگیزهی فاصله انداختن و کوتاه کردن رابطه شیعیان با مزار منوره بقیع اقدام به نصب در و قفل کردن آن کردند و زیارت مزارات متبرکه حضرات ائمه معصومین و خاندان پیامبر اکرم صلوات الله علیهم را منحصر به دو ساعت اول صبح و دو ساعت بعد از نماز عصر کردند یعنی انبوه زائرین که قبلاً در ۲۴ ساعت شبانه روز به نوبت و با فرصت لازم به ادای احترام به قبور و زیارت و دعا و مرثیه خوانی میپرداختند ۲۰ ساعت وقت را از آنها سلب کردند، مخصوصاً لطفی که شبها برای راز و نیاز و ندبه و زاری داشت و اکثر زوار فرصت را غنیمت میشمردند و شبها خود را به بقیع میرساندند و ضمن زیارت مزارات به راز و نیاز با پروردگار خود، دل را جلا- و جان را شستشو میدادند. وهابیون این خلوص و ارادتمندی را بر نمیتابند و چنانچه میدانید بر مظالم خود افزودند و دل شیعیان را بیش از پیش به درد آوردند.
 در مجلسی که شاعر متعهد آیینی جناب آقای سید محمد حسن صفوی پور (قیصر اصفهانی) حضور داشتند این دردمندی به وجود آمده را برای اهل جلسه متذکر شدیم.
 آقای قیصر پس از لحظهای چند ابیاتی که ذیلاً از نظر میگردد، فی البدیهه سرودند که در مجلس خوانده شد و مورد تحسین قرار گرفت. موفقیت این شاعر ارجمند و همه شاعران تولائی و تبرائی را از پیشگاه احدیت خواهانیم.

قطعه

(مربوط به صفحه قبل)
 قیصر اصفهانی (سید محمد حسن)
 فرقه ضالهی وهابی پست
 با نبی عهد خویش بشکستند
 ظلم بر عترت نبی کردند

جگر شیعه را ز غم خستند
 بر جفاهای خویش افزودند
 در صحن بقیع را بستند
 دشمنان علی و آل علی
 ظالم و رذل و جانی و پستند
 غافل از اینکه شیعیان علی
 از می ساغر ولا مستند
 دور از اصل خود نمیگردند
 با بقیعند هر کجا هستند

غریستان

لطفی اصفهانی (حسین لطفی کیا)
 بقیع بی سر و سامان غم افزاست
 بقیع از دید هر انسان غم افزاست
 مدینه رفتن و ویرانه دیدن
 حریم تربت پاکان غم افزاست
 سرشک شیعیان جاریست بر خاک
 دریغا این غریستان غم افزاست
 خدایا تربت دخت نبی کو
 نهان این قبر نور افشان غم افزاست
 نگر آرامگاه مجتبی را
 که دیدارش به هر انسان غم افزاست
 به قبر سید سجاد بنگر
 که از جور عدو این سان غم افزاست
 امام پنجمین خفته در این خاک
 مزارش ای مسلمانان غم افزاست
 مزار جعفر صادق دریغا
 ز جور قوم بی ایمان غم افزاست
 نظر کن تربت ام البنین را
 که افزونتر در این ویران غم افزاست
 زیارتگاه خورشید است این خاک
 که هر دم داغهای آن غم افزاست
 عزیزان خدا خفتند اینجا

که (لطفی) خاکشان این سان غماز است

غبار بقیع

لطفی صافی (آیت الله العظمی صافی گلپایگانی)
 خوش آن نسیم که می‌آید از کنار بقیع
 خوشا هوای روانبخش و مشکبار بقیع
 فرشتگان زمین می‌برند سوی بهشت
 برای غالیه حوریان، غبارِ بقیع
 اگر که طور تجلی ز صدق می‌طلبی
 بیا به گلشن روحانی دیار بقیع
 دریغ و درد که از ظلم دشمنان خدا
 خراب شد همه آثارِ بیشمار بقیع
 ایا که غیرت دین داری و ولایتِ آل
 بیار خون عوض اشک در کنار بقیع
 خراب کرد ستم، مشهدِ چهار امام
 کزان شرف به سما یافت خاکسار بقیع
 نخست مرقد سبط نبی امام حسن
 بزرگ محور اعزاز و افتخار بقیع
 مزار حضرت سجاد اُسوه عبّاد
 امین اعظم حق، رکن استوار بقیع
 مزار حضرت باقر عزیز پیغمبر
 که بر فزوده به اجلال و اشتهار بقیع
 مزار حضرت صادق رئیس مذهب و دین
 جهان و علم و عمل نور کردگار بقیع
 قبور منهدم دیگر از تبار رسول
 فزوده است بر اوضاع رنجبار بقیع
 سعودیان عمیل ۶۴ یهود و صهیونیسیم
 ز ظلم هتک نمودند اعتبار بقیع
 ز ظلم فرقه وهابیان ناکس دون
 بیا ببین که خزان گشته نو بهار بقیع
 قبور آل نبی را خراب کرد عدو
 که شیعیان همه هستند سوگوار بقیع
 در این مصائب عظمی ولی عصر بود

پریش خاطر و محزون و داغدار بقیع
 کند ظهور و جهان پر کند ز دانش و داد
 زند به ریشهی خصم ستم شمار بقیع
 قیام باید و مردانگی و همت و عزم
 که برطرف کند این وضع ناگوار بقیع
 و گر نه تا نشود قطع دست استعمار
 جهان شیعه بود زار و دلفکار بقیع
 حرامیان به حرم تا که حاکمند رواست
 که مسلمین همه باشند شرمسار بقیع
 سلام بی حد و بسیار بر پیمبر و آل
 درود وافر و بیانتها نثار بقیع
 ز یاد مرقد ویران اولیای خدا
 همیشه «لطفی صافی» است بی قرار بقیع

قوم عصیانگر

ماهر اصفهانی (علی غفر الهی)
 شد فرقه وهابی دون حکمفرما
 تا آنکه شد ویران بقیع از جور اعدا
 وهابیان بیخبر از خشم وهاب
 تخریب کردند این حریم علم و آداب
 فتوای مفتی را چو نصب العین کردند
 فرمان ز شیطانسیرت بدکیش بردند
 وهابیان دون همه اهل ضلالند
 عصیانگر و ویرانگر و بی اعتدالند
 این قوم عصیانگر همه گمکرده راهند
 یابند سنتهای پوچ و اشتباهند
 فرمان نفس بدگنش را گوش کردند
 شمع و چراغ این بقا خاموش کردند
 چون اوفتد خنجر به دست زنگی مست
 گردد به نفس ملحد اماره پابست
 چشمان خود را بر حقایق جمله بستند
 آینهی قلب پیمبر را شکستند
 قبر امامان بقیع شد گر چه ویران

آباد میگردد به دست اهل ایمان
 ویران شد اما گنج در ویرانه مستور
 مانند از حمایت‌های بیپایان گنجور
 دلها اگر از این جنایتها خرابند
 اما صدف از بهر گوهرهای نابند
 کی میشود خاموش انوار خدایی
 بخشد به گیتی تا قیامت روشنایی
 ما شیعیان آل طه پاکبازیم
 قبر امامان را به آب دیده سازیم
 از لطف حق این آستان آباد گردد
 چشم و چراغ عالم ایجاد گردد
 چون لطف حق یاری کند اهل ولا را
 آباد میسازند این دولتسرا را
 آباد میگردد بقیع از لطف داور
 تا کور گردد چشم خصم کینه‌پرور
 باشد مزار این امامان در دل ما
 باشد به میزان جزا این حاصل ما
 این بارگاه قدسی جبریل دربان
 گردد ز نور اختر و انجم، چراغان
 خیل ملک آیند با فرمان قدوس
 بر آستان این امامان بهر پا بوس
 از لطف یزدان در زمین و آسمانها
 اشعار «ماهر» میشود ورد زبانها

مُشک تر

مراد (حسن کاظمی مرادی)
 داغ غربت بر جگر دارد بقیع
 هر زمان شوری دگر دارد بقیع
 شد محیطش رشک دریای فلک
 چون به بر چندین گهر دارد بقیع
 خاک پاکش چشمها را توتیاست
 در دل و در جان اثر دارد بقیع
 بوی گل میجوشد از خاکش مدام

دامنی از مُشک تر دارد بقیع
 بی نظر مگذر از این ویرانسرا
 گنجهایی را به بر دارد بقیع
 چهرهای از مهر معصومین پاک
 به ز خورشید و قمر دارد بقیع
 غم مخور از لطمهی وها بیون
 تا خدای دادگر دارد بقیع
 میتوان قصری در آن ایجاد کرد
 جان نثارانی دگر دارد بقیع
 چار امام بر حقند اینجا مقیم
 افسر شاهی به سر دارد بقیع
 کافران را دور تا روز حساب
 شیعیان را در نظر دارد بقیع
 صد هزاران عاشقی چون من «مراد»
 زائری با چشم تر دارد بقیع

حُسن عالمگیر

مهدی اصفهانی (سید مهدی طباطبائی)
 دامن پر اختری چون کهکشانشان دارد بقیع
 خاک پاکش فخر بر هفت آسمان دارد بقیع
 در کجا باشد چنین منظومهای در آسمان
 چار خورشید ولایت در میان دارد بقیع
 حُسن عالمگیر دارد گر چه بیپیرایه است
 در بغل حُسن حُسن را همچو جان دارد بقیع
 سید سجاده، زین العابدین، چارم امام
 زینت سجادهی این خاکدان دارد بقیع
 باقر علم پیمبر پنجمین نور ولا
 با اب و ابنش عزیز و میهمان دارد بقیع
 صادق آل محمد (ص) پیشوای شیعیان
 عالم علم همه کون و مکان دارد بقیع
 آستانش را نباشد گنبد و صحن و رواق
 از پر و بال ملائک سایبان دارد بقیع
 نیست خاموش این حرم شها بر اهل نظر

بر رواقش چلچراغ از کهکشان دارد بقیع
 بوسه بر خاکش زند شبها قمر با احترام
 مادر غمدیده از مرگ جوان دارد بقیع
 در کنار پنجره همراه با ام البنین
 اشک چشم و سوز و آه بانوان دارد بقیع
 گو به وهابی بر این در قفل بیهوده مزین
 از ملائک خادم و هم پاسبان دارد بقیع
 زیر لب عرض ارادت کن کزین قوم دغا
 یادها بر ضرب و شتم شیعیان دارد بقیع
 در فضایش احتیاج عطر و مشک و عود نیست
 تا گلاب اشک چشم مؤمنان دارد بقیع
 شیعیان را میشود «مهدی» دل از ماتم کباب
 بس که از تاریخ غمهای گران دارد بقیع
 گر چه خاموش است و خلوت زائرانی فوج فوج
 همره صاحب زمان از انس و جان دارد بقیع

قبله دلها

مؤید خراسانی (سید رضا)
 دلها برای قبله‌ی دلها کباب شد
 تا در بقیع آن ستم بی حساب شد
 وهابیان به کشتن و غارت زدند دست
 در روضه‌های که سایه‌نشین آفتاب شد
 گفتی چهار رکن دو عالم به هم شکست
 وقتی که چار قبر مطهر خراب شد
 دار السلام قدس و مطاف فرشتگان
 از آتش مذاب، محیط عذاب شد
 بر خاک موج خون به هوا فوج دود بود
 جانی اگر که ماند از این غصه آب شد
 ختمی مآب ناظر و من شرح چون دهم
 ظلمی که بر سلاله ختمی مآب شد
 بیش از لهیب سرزده در جنت البقیع
 دلهای آل فاطمه در التهاب شد
 دردا که آن قبور مطهر هنوز هم

در غربتی بود که جگرها کباب شد
 زائر ز راه دور «مؤید» بر آن قبور
 با سوز سینه، خون جگر، اشک ناب شد

پاداش رسالت!!!

میشم (غلامرضا سازگار)
 بر دشمنان عترت و قرآن هماره
 در هر نفس نفرین و لعن بی شماره
 اینان که بدتر از نصارا و یهودند
 فرزند شیطان، خصم دین، آل سعودند
 بر مکتب اسلام و ایمان حمله کردند
 با آیهی قرآن به قرآن حمله کردند
 اینان نه یک مذهب که یک حزب پلیدند
 نسل ابوسفیان و مروان و یزیدند
 دلهایشان از تیرگی پر، خالی از نور
 چشمانشان در این جهان و آن جهان کور
 بر آل یاسین ظلم از حد بیش کردند
 تفسیر قرآن را به رأی خویش کردند
 خصم خدا، خصم نبی، خصم کتابند
 از کفرشان سنّی و شیعه در عذابند
 گویند مشرک زائر ختم رسل را
 خوانند مرده از جهالت عقل کلّ را
 در چاه جهل و تیرگی ماندند، ماندند
 گویی به عمر خویشتن قرآن نخواندند
 یعقوب کز بوی پسر قلبش صفا یافت
 چشم وی از پیراهن یوسف شفا یافت
 آن تکهی چوبی که موسی را عصا شد
 هم بحر را بشکافت و هم اژدها شد
 روزی که عیسی مردگان را زنده میکرد
 بر جهل این اشتر چرانها خنده میکرد
 @رو تیره، دیده کور، دل آلوده و چرک
 از پای تا سر کفر و از پا تا به سر شرک
 بوزینههایی بر فراز منبر وحی

یار شیاطین دشمن پیغمبر وحی
 بر تربت پاک امامان حمله کردند
 خواندند قرآن و به قرآن حمله کردند
 در بغض اولاد علی بیداد کردند
 اسلاف خود را در شقاوت یاد کردند
 با دست آن پرورده‌های دست شیطان
 شد تربت پاک حسن با خاک یکسان
 کُشتند با دعوی دین یاران دین را
 کردند ویران قبر زین العابدین را
 پنجم امام ما که جان ما نثارش
 گردید با سطح زمین یکسان مزارش
 آمد جسارت بر کتاب ناطق ما
 ویرانه شد قبر امام صادق ما
 دادند پاداش امیرالمؤمنین را
 کردند ویران مرقد ام البنین را
 قبر شهیدان احد ویرانه گردید
 شهر مدینه سر به سر غمخانه گردید
 ویران شد از بیداد آن قوم ستمگر
 قبر اُمّ و ابن و اب و عم پیغمبر
 ای کافران! اجر رسول الله این بود
 یا احترام آن زیارتگاه این بود؟
 لعن ابد را تا ابد بر خود خریدید
 الحق که یکسر آل مروان و یزیدید
 صد شکر کان جا قبر زهرا بینشان بود
 از دیدهی ناپاک ناپاکان نهان بود
 ورنه از این بیداد گره‌های حرامی
 میشد به ناموس خدا بی احترامی
 اسلاف این نامردها با تازیانه
 کُشتند ناموس ولایت را به خانه
 آتش زدند از راه کین بیت الولا را
 بیت الولا نه خیمه‌های کربلا را
 اجداد اینان در سقیفه عهد بستند
 پیشانی فرزند زهرا را شکستند

اسلاف این ناپاکها خنجر کشیدند
 سر از تن فرزند پیغمبر بریدند
 اینان همه مغضوب زهرای بتولاند
 ملعون قرآن و خداوند و رسولاند
 دائم به قرآن حملهور با نام قرآن
 چون غده رویدند بر اندام قرآن
 یا رب به پیشانی مجروح پیمبر
 یا رب به قرآن و به زهرا و به حیدر
 یا رب به خون اولین یار ولایت
 تنهاترین قربانی دار ولایت
 یا رب به رازی که علی با چاه گفته
 یا رب به غمهایی که او در دل نهفته
 یا رب به باغ حیدر و یاس کبودش
 یا رب به آن بیٹی که بالا رفت دودش
 تا آتش قلب محبان را نشاند
 تا انتقام آل عصمت را ستاند
 رخت فرج بر قامت مهدی (عج) بپوشان
 بر تشنگان، جام وصالش را بنوشان

جوف جهل

میثم (غلامرضا سازگار)
 یاد بقیع باز به دل زد شراره‌ام
 کز آسمان دیده بیارد ستاره‌ام
 جز خون دل به بغض گلو نیست چاره‌ام
 هر گه فتد به قبر امامان نظاره‌ام
 تا بغض خود به دشمن عترت عیان کنم
 نفرین ز سوز سینه به وهابیان کنم
 اینان که خصم عترت و قرآن و حیدرند
 اینان که سخت دشمن آل پیمبرند
 اینان که پست و ظالم و رذل و ستمگرند
 اینان ز شمر و خولی و بن سعد بدترند
 این خارهای ریخته از دست بولهب
 نسل حرام زاده حمالة الحطب

مأیوسهای کافر برگشته از غدیر
 روباههای حیل‌گر و حملهور به شیر
 خوار و شکست‌خورده و بیچاره و حقیر
 الله را مخالف و ابلیس را اجیر
 دیدند روشنائی نور ائمه را
 ویرانه ساختند قبور ائمه را
 اینان که نسلهای حرام سقیفهانند
 در دامن خرابهی تاریخ جیفهانند
 در جوف جهل جیره‌خور بوحیفهانند
 اربابشان ز جانب شیطان خلیفهانند
 بر آستان بیت ولایت شرر زدند
 با تازیانه فاطمه را پشت در زدند

موج فتنه

میثم (غلامرضا سازگار)
 هماره تا به اذان میشود ز احمد یاد
 به دشمنان علی لحظه لحظه لعنت باد
 از آن زمان که علی گشت در غدیر امام
 عدو به دشمنی اهل بیت کرد قیام
 سقیفه مرکز آغاز خط طغیان بود
 سقیفه دایره فتنه‌های شیطان بود
 شهید اول دست سقیفه محسن بود
 هزار مرتبه بر خون او سلام و درود
 به موج فتنه چو مشت منافقین وا شد
 شهید دوم دست سقیفه زهرا شد
 به قتل فاطمه گردید دست دشمن باز
 که گشت کشتن اولاد مصطفی آغاز
 چه فتنه‌ها که به صفین و نهروان و جمل
 شد از معاویه و عایشه به پا ز اول
 هر آن کسی که امام زمان خود نشناخت
 به جاهلیت پیش از رسول حق جان باخت
 کنون ز اهل تسنن سؤال من اینست
 اگر جواب دهند این جواب شیرین است

قسم به ذات خداوندگار حی و دود
 امام عایشه در جنگ با امام که بود؟
 بنام دین ستم و ظلم بر ولی کردن
 دم از خدا زدن و جنگ با علی کردن!
 به نفس ختم رسل جنگ ظلم و طغیان بود
 امام عایشه حتما جناب شیطان بود
 بنی امیه به آل علی جفا کردند
 هزارها سر و دست از بدن جدا کردند
 هزار مرتبه خون، قلب جمله یاران شد
 حسن به دست همین قوم تیر باران شد
 ..

عزیز فاطمه را تشنه لب فدا کردند
 سر مقدس او را ز تن جدا کردند
 حبیب و میثم و حجر و رشید را کشتند
 ز تیغ کینه و بیداد زید را کشتند
 از آن گروه که بودند سخت حق شناس
 هزار مرتبه سفاکتر بنیعباس
 به آن علی که ز بیداد دست او بستند
 حرامیان سقیفه هنوز هم هستند
 از آن گروه حرامی هنوز بسیارند
 همان گروه که وهابیان خونخوارند
 به خاندان نبی گرچه دستشان نرسید
 نداشتند کم از ابن سعد و شمر و یزید
 دوباره چون سلف خویشتن جفا کردند
 که حمله بر حرم آل مصطفی کردند
 مزار چار امام غریب ویران شد
 حریمشان همه با خاک تیره یکسان شد
 دوباره گشت عیان غربت امام حسن
 خراب شد حرم و تربت امام حسن
 بر آن که چاره شود عقده حقارتشان
 به قبر مادر عباس شد جسارتشان
 ز ظلم تازه آن فرقه جنایتکار
 دوباره واقعه کربلا شدی تکرار

مدینه مرکز فریاد و دود و آتش بود
 جفا و فتنه و بیداد بود و آتش بود
 شراره‌های جنایت زبانه بگرفتند
 پس از بقیع احد را نشانه بگرفتند
 به قبر عم نبی حمله از جفا کردند
 ز خویش هند جگرخوار را رضا کردند

غم غربت

ناظر (سید محمود مرتضوی نایینی)
 مهر رخشان تا بگیرد اذن دیدار بقیع
 صبحگاهان چهره میساید به دیوار بقیع
 خسرو خاور که از نورش جهانی روشن است
 مینماید کسب فیض از نور سرشار بقیع
 در فراز آسمان شبها برای کسب فیض
 خیل انجم یک به یک هستند زوار بقیع
 بر تمام زائران خویش در ایام سال
 فیض بخشی باشد از راه کرم کار بقیع
 عده‌های از اولیاء حق به خاکش خفته‌اند
 مانده است از این جهت جاوید آثار بقیع
 صادق و باقر علی ابن الحسین و مجتبی
 جملگی هستند گل‌هایی ز گلزار بقیع
 جان سپردند این عزیزان خدا در راه دین
 مدفن آنهاست در خاک گهر بار بقیع
 مرقد صدیقه کبراست پنهان از نظر
 گر چه نام اوست جاویدان به طومار بقیع
 می‌رود شبهای جمعه مهدی (عج) صاحب زمان
 بیگمان با دیده گریان به دیدار بقیع
 اشک میریزد به روی تربت اجداد خویش
 تا بشوید گرد غربت را ز رخسار بقیع
 جای دارد خون ببارند از بصر اهل ولا
 این زمان بر غربت و غمهای بسیار بقیع
 یک غمش تخریب صحن و بارگاه اوصیا
 حزن دیگر منع هر زائر به گلزار بقیع

دارم امیدی که با لطف خداوند کریم
 خصم گردد منصرف از حيله در کار بقیع
 استعانت (ناظر) دلخسته جوید از خدا
 تا مگر او هم شود از خیل زوار بقیع

ماده تاریخ هنگ حرمت بقیع

ناظر (سید محمود مرتضوی نآینی)
 شیعیان را میرسد بر گوش پیغام بقیع
 کای خداجویان شوید آگه ز اعلام بقیع
 دشمنان خاندان حضرت خیر الانام
 هتک حرمت کردهاند از عزّ و اکرام بقیع
 غافلند از آنکه سر مستان عشق اولیاء
 جمله هستند از ارادت باده آشام بقیع
 بر مسلمان درس صبر و استقامت داده است
 با زبان بیزبانی صبر و آرام بقیع
 زائران و عاشقانش تا صف روز نشور
 فیض وافر میبرند از بخشش عام بقیع
 از غمام دیده میارند اشک غم مدام
 شیعیان بر غربت و بر حزن و آلام بقیع
 شرح مظلومیت زهرا و فرزندان او
 در کتاب غم رقم خوردست با نام بقیع
 تا کند «ناظر» بیان عهدی ز جور خصم را
 هجری و شمسی نویسنده است از کام بقیع
 گو که از فعل بد آل سعود زشتکار
 روزگار یأس شد نابود احرام بقیع
 قمری: ۱۳۴۴ شمسی: ۱۳۰۴

بیت آخر به حساب حروف ابجد به سال قمری (مصراع اول) و به سال شمسی (مصراع دوم) میباشد.

رباعیات

رباعیات تخریب بقیع

رستگار خراسانی (سید محمد)
 شد بدعت تازه باب از وهابی

اسلام کشد عذاب از وهابی
از بغض @ نهفتشان به دل در یک روز
شد چار حرم خراب از وهابی

در دل ز سقیفه کینه اندوخته‌اند
هر روز شراری دگر افروخته‌اند
امروز قبور اهل بیت است خراب
زان فرقه که بیت وحی را سوخته‌اند

شد بدعتی از زمان عبدالوهاب
در خلق ز دودمان عبدالوهاب
پوشید لباس کعبه وهابیت
از سلطه پیروان عبدالوهاب

یا ابن الحسن ای بر همه پیروز، بیا
بر گیر به کف تیغ ستمسوز، بیا
حرمشکنی چقدر بنگر به بقیع
شد چار حرم خراب یک روز، بیا

ای سوخته چون فاطمه از یاد بقیع
با تیغ علی بیا به امداد بقیع
زان روز که آن قبور ویران گردید
بر گوش رسد هنوز فریاد بقیع

گمراه بود خلق و پی هادی نیست
دیگر به زمین زمانهی شادی نیست
تا قبر ائمه بقیع است خراب
دنیای خراب رو به آبادی نیست

اینجا که دل سوخته‌های هم نبود
فانوس بر افروخته‌های هم نبود
تاریکی محض باشد و جز مهتاب
بر خاک نظر دوخته‌های هم نبود

با آنکه چو آسمان رفیع است رفیع
خاک است و به خاکیان شفیع است شفیع
یک شمع ندارد که بسوزد تا صبح
در پرده چه گویم که بقیع است بقیع

اینجا که نظر بود به خاک افلاکش
آرام دل شیعه بود در خاکش
اینجا که امام عصر افتد بر خاک
آنجاست بقیع و قبرهای پاکش

اینجا که ز گنبد و حرم نیست نشان
بنشین و به اشکی آتش دل بنشان
شبهای سیه چو شمع باشد مهدی
بر قبر ائمه بقیع اشک افشان

چاک است ز درد و غم گریبان بقیع
نالند ز سینه عندلیبان بقیع
از گریهی بیامان خرابیم خراب
امشب که بود شام غریبان بقیع

گر میوهی صبر ما ظفر بود و نشد
از صبر امید بیشتر بود و نشد
هر چند بقیع را نمودند خراب
ویرانی دین مدّ نظر بود و نشد

آخر بشر آزاد ز بیداد شود
هر جاست بنای ظلم بر باد شود
گر قبر چهار امام ویران شده است
با دست امام عصر آباد شود

ای شمع بسوز و آب کن ما را هم
آسوده ز پیچ و تاب کن ما را هم

از گریهی ما بقیع آباد نشد
ای اشک بیا خراب کن ما را هم

ما را که به سینه، دل ز غم ناشاد است
شادی جهان ز دید ما بر باد است
از گریهی بیامان خراب آبادیم
با یاد بقیعی که خراب آباد است

اینجاست که ویران شده گلزار بقیع
اینجاست که حائل شده دیوار بقیع
با فاطمه اشک ریزد اینجا مهدی
«قربان بقیع و اشک زوار بقیع»

روحي همدانی (محمد مهدی)
وهابیان به خانهی طاها چه میکنند
با زاده‌های حضرت زهرا چه میکنند
گیرم خراب کرده حریم بقیع را
با قبرشان میان دل ما چه میکنند

ما بر صفِ دشمن ولی می‌تازیم
جان را به ره آلِ علی می‌بازیم
کوری دو چشم شوم و هابیون
یک بار دگر بقیع را می‌سازیم

رباعیات بقیع

رستگار خراسانی (سید محمد)
از داغ بقیع، کعبه زمزم دارد
پوشیده سیاه و اشک ماتم دارد
دانی ز چه زمزم اشک ریزد شب و روز
دانسته بقیع گریه‌کن کم دارد

هر لاله ز خاک میدمد می‌گرید
هر ژاله به خاک می‌چکد می‌گرید

این باغ خزان روضه زهراست مگر
هر کس به بقیع میرسد میگیرد

گلخانه‌ی جنت است صحرای بقیع
هر چند که پر پر است گلهای بقیع
دارد به گلو ندای «یا للمسلم»
کو آنکه دهد جواب نجوای بقیع

در سینه دلی که داغ دارد امشب
از داغ صفای باغ دارد امشب
با یاد بقیع و شب تاریک بقیع
از اشک بسی چراغ دارد امشب

از خاک بقیع جای گل غم روید
دیوار و درش حدیث ماتم گوید
هر کس به بقیع میرسد از هر سوی
در پرده اشک قبر زهرا جوید

هر شب دل خسته‌های و هوایی دارد
با یاد مدینه گفت و گویی دارد
بگذار بقیع را بینم مولا
آخر دل من هم آرزویی دارد

زوار که آرزو به خاکند اینجا
پیداست ز فیض گریه پاکند اینجا
ای اشک بیا و مرهم دلها شو
کز داغ بقیع سینه چاکند اینجا

ای کاش به دل مدینه داغی میداشت
زان تربت گمگشته سراغی میداشت
شبهای مدینه مثل روز است از نور
ای کاش بقیع هم چراغی میداشت

گویی شده آفتاب مدهوش اینجا
 حرفی نرسد ز سایه بر گوش اینجا
 ای ابر سیه تو آبروداری کن
 تا دیده شود یکی سیهوش اینجا

نوحه

تخریب ظالمانه

راضی اصفهانی (محمد حسن زاده)
 کید و هابیان کرده ویران بقیع
 بیحرم ماند و بیصحن و ایوان بقیع
 حجة ابن الحسن العجل العجل
 بقعههایش خراب شد ز جور عدو
 با چه رویی شوند با نبی روبرو
 حجة ابن الحسن العجل العجل
 بارگاه حسن شد ز کینه خراب
 گشته از غربتش قلب شیعه کباب
 حجة ابن الحسن العجل العجل
 وای از این قوم دون! وای از این عناد!
 بی حرم مانده است قبر زین العباد
 حجة ابن الحسن العجل العجل
 بیحرم از ستم مرقد باقر است
 بیحیایی بین زین عمل ظاهر است
 حجة ابن الحسن العجل العجل
 بیچراغ و رواق مرقد جعفر است
 خاک غم زین آلم شیعه را بر سرست
 حجة ابن الحسن العجل العجل
 از خدا شرمتان باید ای دشمنان
 شاید اینجا بود قبر زهرا نهران

غم نامه

راضی اصفهانی (محمد حسن زاده)
 غمنامه میسراید بر ما بقیع زهرا

آتش زند ز غربت دل را بقیع زهرا
 با چشم دل بینید ای شیعیان چگونه
 از اشک چشم مهدیست دریا، بقیع زهرا
 مولای ما یا مهدی! آقا بیا یا مهدی!
 در سینهای هزاران حرف نگفته باشد
 شاید در آن گلستان یاسی نهفته باشد
 مهدی ز داغ آن یاس یک دم نخفته باشد
 دارد نشان ز اشک مولا بقیع زهرا
 مولای ما یا مهدی آقا بیا یا مهدی
 پر شد فضای آن باغ از ناله‌های زهرا
 دارد چه خاطراتی از لاله‌های زهرا
 گل گشته خاک آنجا از گریه‌های زهرا
 آتش کند از این غم بر پا بقیع زهرا
 مولای ما یا مهدی! آقا بیا یا مهدی!
 ویرانه بقعه‌هایش از کینه و جفا شد
 از بدعت سقیفه این فتنه‌ها به پا شد
 همناله با مدینه گلزار سامرا شد
 باشد به سامرا هم پیدا بقیع زهرا
 مولای ما یا مهدی آقا بیا یا مهدی
 شد صحن و بارگاهش آماج ظلم و کینه
 بنشسته گرد غربت بر جنت مدینه
 با آن بقیع خاکی، شد سامرا قرینه
 تا که دگر نباشد تنها بقیع زهرا
 مولای ما یا مهدی! آقا بیا یا مهدی!

مظلومیت بقیع

راضی اصفهانی (محمد حسن زاده)
 واویلا از جور و کین شد ویران گلزار دین
 آه از جفا یا مهدی! آقا بیا یا مهدی!
 بین مهدی که ویرانست بقیع تو
 بین با خاک یکسان است بقیع تو
 بر این غربت تویی وارث؛ تویی منجی
 به دست خصم قرآن است بقیع تو

میسوزد از این جفا دل‌های اهل ولا
 شد فتنه‌ها یا مهدی! آقا بیا یا مهدی!
 چه گویم با که گویم من غم دل را
 بود ممنوع زیارت خواندن آنجا
 فلک، گنبد؛ ضریحش از ملائک شد
 چراغ این حرم اشک دو چشم ما
 شیعه با چشمان تر میگوید ای منتظر!
 رویت نما یا مهدی! آقا بیا یا مهدی!
 نه از خشم تو یا رب! واهمه کردند
 نه شرمی از رسول و فاطمه کردند
 به نام دین چه بدعتها که بنهادند
 جنایت بیدلیل و محکمه کردند
 سقیفه گشته عیان از سوی این دشمنان
 امید ما یا مهدی آقا بیا یا مهدی
 همانهایی که این ظلم و جفا کردند
 ز بی شرمی یورش بر سامرا کردند
 نباشد این عجب ای شیعه از کینه
 اگر قصد حریم کربلا کردند
 تا از کین یابد امان شد قبر زهرا نهران
 از دیده‌ها یا مهدی! آقا بیا یا مهدی!
 بیا آقا! که چشم ما به راه توست
 جهان محتاج یک گوشه نگاه توست
 به خون محسن و خون حسین سوگند
 که آتش از دل شیعه ز آه توست
 سینه‌ها سوزان شده دیده‌ها گریان شده
 بهر شما یا مهدی! آقا بیا یا مهدی!

غمستان بقیع

ناظر (سید محمود مرتضوی نائینی)
 میروم با پای جان پشت دیوار بقیع
 میکنم اشکی روان سوی گلزار بقیع
 میروم با چشم دل بینم غمستان بقیع
 لحظهای شاهد شوم بر حزن و حرمان بقیع

بنگرم حال غمانگیز و پریشان بقیع
 با سرشک غم بشویم گرد رخسار بقیع
 میروم با پای جان پشت دیوار بقیع
 میکنم اشکی روان سوی گلزار بقیع
 میروم بینم عداوتداری آل سعود
 جای تخریب و جنایتکاری آل سعود
 بنگرم آثار بد کرداری آل سعود
 لعن و نفرینی کنم بر خصم غدار بقیع
 میروم با پای جان پشت دیوار بقیع
 میکنم اشکی روان سوی گلزار بقیع
 میروم گریم برای سبط اکبر مجتبی
 اشک غم ریزم به مظلومیت زین العبا
 از جگر نالم به حال باقر، آن نور هدا
 جویم احوال دل صادق ز احرار بقیع
 میروم با پای جان پشت دیوار بقیع
 میکنم اشکی روان سوی گلزار بقیع
 میروم آنجا به لطف کردگار فاطمه
 چشم دل را سازم از غم اشکیار فاطمه
 نالم و گریم مگر جویم مزار فاطمه
 ناظر مهدی شوم در حال دیدار بقیع
 میروم با پای جان پشت دیوار بقیع
 میکنم اشکی روان سوی گلزار بقیع

حفظ اماکن مذهبی از دیدگاه حقوق بین الملل

لزوم حفظ اماکن مذهبی از نظر حقوق بین الملل

دکتر سید محسن قائم فرد

از نظر قواعد حقوق بین الملل، هر گونه اهانت، هتک حرمت، تجاوز، تعدی و یا تخریب اماکن متبرکه شناخته شده در مذهب شیعه به دلایل متعدد ممنوع و حتی قابل تعقیب توسط مراجع بین المللی است. این اماکن در زمان جنگ نیز توسط متخاصمین یا حتی توسط دولت اشغالگر باید مورد احترام و محافظت قرار گیرند.

برخی از دلایل لزوم حفظ اماکن مذهبی از منظر قواعد بین الملل عبارتند از:

۱- این اماکن مصداق بارز «اموال فرهنگی» هستند

ماده ۱ قانون مربوط به حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ مصوب ۱۹۵۴ میلادی کنفرانس لاهه، اموال فرهنگی را چنین تعریف

نموده است:

«اموال منقول و غیر منقول که برای فرهنگ ملل دارای اهمیت زیادی باشد از قبیل آثار هنری معماری یا تاریخی، مذهبی یا غیر مذهبی، مناظر باستانی، مجموع ساختمانهایی که از این حیث دارای ارزش تاریخی یا هنری میباشد.»
بر اساس این تعریف، اماکن مذهبی ما از مصادیق بارز «اموال فرهنگی» محسوب و به موجب قانون یاد شده حراست و حفظ آن از نظر قواعد بین المللی ضروری و لازم است.
حفظ امنیت ملی، منطقی‌های و جهانی:

از اصلیتین وظائف و اهداف تمامی سازمانهای بین المللی حفظ امنیت است و هر اقدامی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم این امنیت را مورد مخاطره قرار دهد، از نظر این سازمانها و قواعد مربوط به آن محکوم و قابل تعقیب خواهد بود و از آنجا که اماکن مقدسه علاوه بر جهات دیگر (هنری، معماری، تاریخی) از لحاظ دینی، مذهبی، اعتقادی و عاطفی متعلق به صدها میلیون از انسانهای جهان است و آنان تا سر حد جان به چنین مراکزی وابسته‌اند و هر گونه اهانت و هتک حرمت از این اماکن، موجب جریحه‌دار شدن افکار عمومی و واکنش شدید آنان میشود بنابراین هر گونه حفظ و حراست از این اماکن به منظور صلح و امنیت ملی، منطقی‌های و جهانی وظیفه کلیه دولتها و سازمانهای بین المللی است حتی اگر این اماکن در کشوری بوده و علاقه‌مندان به آن تبعه کشور یا کشورهای دیگر باشند (مانند بقیع در مدینه و عتبات عراق یا مشهدالرضا در ایران که متعلق به تمام شیعیان جهان است).

مبارزه با تروریسم و رفع تنازعات مذهبی و قومی

یکی از نگرانیهای بین المللی، رشد بیرویه و گسترش عملیات تروریستی با رویکردهای ایدئولوژیک و دینی است که در نهایت موجب تنازعات مذهبی و قومی شده و صلح و امنیت بین المللی را با مخاطره مواجه خواهد ساخت بر همین اساس در سالهای اخیر بیش از یازده قطعنامه توسط شورای امنیت صادر و تعداد زیادی معاهدات منطقی‌های و دو جانبه برای مبارزه با عملیات تروریستی بین کشورها تنظیم و امضاء شده به نحوی که بسیاری از مقررات شکل گرفته به تدریج تبدیل به عرف بین الملل شده و در صورت نقض، تدابیر بین المللی و خاص خود را در پی خواهد داشت. بر این اساس هر گونه بیحرمتی و تعدی و یا تخریب اماکن مقدسه و متبرکه از مصادیق بارز عملیات تروریستی است به ویژه که در عموم این اقدامات جان انسانهایی بیگانه نیز گرفته شده است.

لزوم حفظ مفاخر ملی (از جهت اهمیت هنری، معماری، تاریخی بنا و ساختمان)

چنانچه اماکن متبرکه در زمره آثار و مفاخر ملی بوده و یا توسط مجامع بین المللی ثبت شده باشد، از این حیث نیز مورد حمایت مجامع بین المللی از جمله یونسکو نیز میباشد (مانند سامرا که در فهرست میراث جهانی قرار گرفت) و بنا بر این حفظ آن وظیفه کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و بین المللی و عدم حفظ آن دارای ضمانت اجرایی مقرر خواهد بود.

حفظ اماکن مذهبی و وظیفه دولتهاست

به موجب مقررات بین المللی در زمان جنگ، دولتهای متخاصم. مکلف به حفاظت از اماکن مذهبی بوده و پروتکلهای متعددی در این زمینه به تصویب مجامع بین المللی رسیده که بر اساس آن کشورهای متخاصم ممنوع از هر گونه تعرض و استفاده‌ی نظامی از این گونه اماکن هستند. حتی به موجب معاهدات متعدد بین المللی دولت اشغالگر نیز مکلف به حفظ این اماکن و مسؤول در قبال هر گونه بیتوجهی یا آسیب به آنها توسط هر شخص یا گروه در طول دوران اشغال میباشد.

اکنون با توجه به مقررات بین المللی از آنجا که مشاهد مشرفه و حریمهای مطهره حضرات معصومین علیهم السلام و حتی امامزادگان

از نظر شیعیان محل‌های مقدس محسوب شده و نزد آنان از شرافت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد و مراسم مذهبی آنان علاوه بر مساجد، غالباً در این گونه اماکن برگزار می‌گردد، این اماکن نمونه بارز اماکن فرهنگی مذهبی در حقوق بین الملل محسوب شده و از هر حیث بر کلیهی کسانی که ملتزم به رعایت حقوق بین الملل هستند، حفظ حرمت و ترمیم و اصلاح آنها و پیشگیری از هر گونه تجاوز، تعدی، تخریب، بی‌حرمتی و اهانت نسبت به آنها بر عهده تمامی کشورها و سازمانهای بین المللی است و حتی چنانچه کشوری نیز اشغال گردد به موجب همین قواعد بین‌الملل کشور اشغال کننده مکلف به تأمین امنیت و حفظ بنا و حرمت این گونه بناهاست.

براین اساس شایسته است با ثبت اماکن مقدسه در فهرست میراث فرهنگی بین المللی که علاوه بر جنبه فرهنگی مذهبی از لحاظ هنری، معماری و تاریخی نیز دارای اهمیت بسزایی می باشد، کلیهی ارگانهای رسمی داخلی و بین المللی را نسبت به حفظ حرمت این گونه اماکن، از هر جهت بیش از پیش ملزم و متعهد ساخت.

از سوی دیگر دقت در این موضوع بسیار ضروری است که هر گونه بی اهمیتی و عدم توجه از سوی شیعیان نسبت به اماکن متبرکه و عدم مطالبه حقوق جهانی خود نسبت به این محلها، عملاً موجب از بین رفتن حقوق مکتسبه شناخته شده در حقوق و مقررات بین المللی نسبت به این اماکن بین الملل خواهد شد.

هشتم شوال

روز جهانی بقیع

هشت شوال هست روز بقیع

سینهها پر بود ز سوز بقیع

پی نوشت

۱. خلیل، کتاب العین، ماده «بقع».
۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۱، ص ۲۸۲.
۳. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۹۲.
۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۹۶۳.
۵. همان.
۶. ابوداود، السنن، ج ۲، ص ۶۹.
۷. ابن حجر، فتح الباری، ج ۳، ص ۲۶۴.
۸. ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۴۶۱.
۹. همان، ج ۱، ص ۳۲.
۱۰. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۶۱۱.
۱۱. طبرائی، معجم کبیر، ج ۲۵، ص ۱۸۱، حاکم، مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۵۶۸.
۱۲. احمد حنبل، المسند، ج ۶، ص ۲۵۲.
۱۳. امام مالک، الموطأ، ج ۱، ص ۲۴۲.
۱۴. مسلم، الصّحیح، ج ۲، ص ۹.
۱۵. همان؛ ج ۲، ص ۶۶۹.

۱۶. مسلم، الصَّحیح، ج ۳، ص ۶۱.
۱۷. ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۲۵.
۱۸. همان، ج ۳، ص ۱۷۹.
۱۹. بخاری، الصَّحیح، ج ۲، ص ۲۱۲.
۲۰. بیهقی، السنن الکبری، ج ۴، ص ۴.
۲۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۳۹۴.
۲۲. سوره کهف، آیه ۲۱.
۲۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۰۷.
۲۴. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۹۳.
۲۵. ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۱۲۷.
۲۶. همان، ج ۳، ص ۹۱۵.
۲۷. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۹۱۰.
۲۸. حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۲.
۲۹. کتاب شناسی ۳۵۰ مجلد از آن ها را در کتاب: «تاریخ وهابیان» آوردیم.
۳۰. جعفر الخلیلی، موسوعه العتبات المقدسه، ج ۳، ص ۳۳۳.
۳۱. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۲.
۳۲. ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۱۳۳.
۳۳. پرینت سایت دکتر سویدان در کتابخانه ی نگارنده موجود است.
۳۴. شیخ طوسی، الامالی، ص ۳۲۵، مجلس ۱۱، ج ۹۸.
۳۵. محدث قمی، تتمه المنتهی، ص ۳۹۰.
۳۶. ابن فولویه، کامل الزیارات، ص ۲۷۲، باب ۸۸.
۳۷. مشروح جنایات وهابیان به هنگام حمله به حرمین شریفین مکه و مدینه را در کتاب «تاریخ وهابیان» تالیف: ایوب صبری، ترجمه ی نگارنده ملاحظه فرمایید.
۳۸. ثقفی، الغارات، ص ۶۴۰.
۳۹. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۱۱، ثقفی، الغارات، ص ۴۰۹.
۴۰. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۲۶ - ۳۰.
۴۱. خلیفه بن خیاط، تاریخ، ص ۲۵۰.
۴۲. محدث قمی، تتمه المنتهی، ص ۲۳۷-۲۴۷.
۴۳. ابوالفرج، مقاتل الطالبيين، ص ۳۴۴ - ۳۶۵.
۴۴. جعفر الخلیلی، موسوعه العتبات المقدسه، ج ۳، ص ۲۵۴.
۴۵. همان.
۴۶. همان، ص ۳۲۹.
۴۷. البانی، مناسک الحج و العمره، ص ۶۰.

۴۸. جبهان، تبذیر الظلام، ص ۳۸۹.
۴۹. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۵۰.
۵۰. همان، ص ۲۸، یعنی: بهترین قبرها، قبرهای فرسوده می باشد.
۵۱. بقیع، ارگان جامعه روحانیت مبارز جزیره العرب، سال چهارم، شماره ۴۷ - ۴۸، ص ۱۵.
۵۲. ابن ماجه، السنن، ج ۱، ص ۴۹۸.
۵۳. بیهقی، السنن الکبری، ج ۳، ص ۴۱۱.
۵۴. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۳۰۶.
۵۵. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۲.
۵۶. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۸.
۵۷. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۶۲.
۵۸. ابن مشهدی، المذار الکبیر، ص ۲۴۲.
۵۹. علامه مجلسی، همان، ج ۴۸، ص ۲۸۹.
۶۰. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲.
۶۱. همان.
۶۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۵.
۶۳. ابن ابی طیفور، بلاغات النساء ص ۳۳، باقر شریف القرشی. موسوعه سیره اهل البیت: ج ۳۶، ص ۳۳۹
۶۴. عمیل: مشتری، نماینده، کارمند، المنجد

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

